

شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

مدرسه علمیه ریحانه شهرستان اصفهان

موضوع:

تربیت فرزند از دیدگاه امام صادق علیه السلام

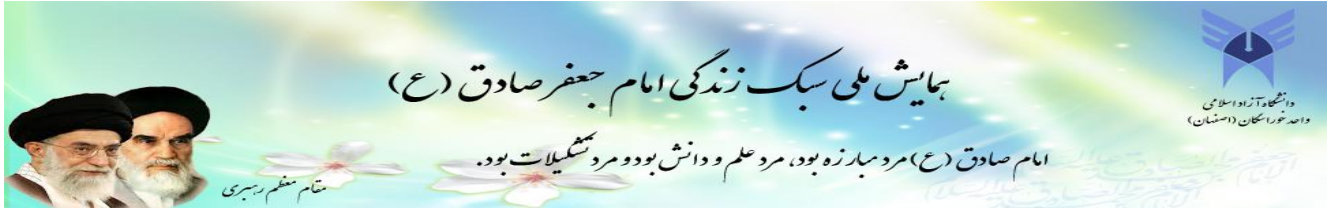
محقق:

فریده عباسی

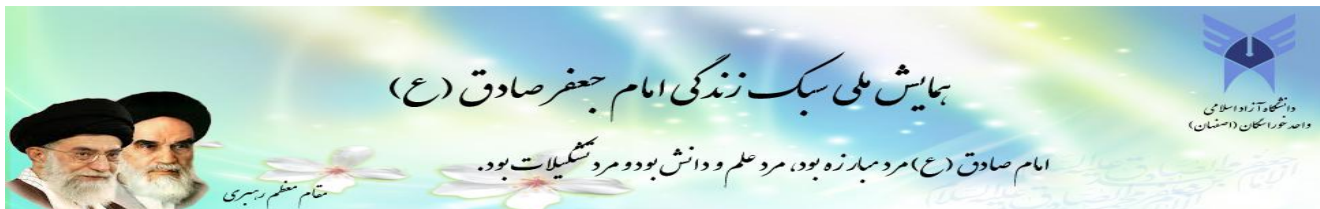
شماره طلبگی:

۹۱۱۲۲۰۱۲۰۶

آبان ماه ۱۳۹۲



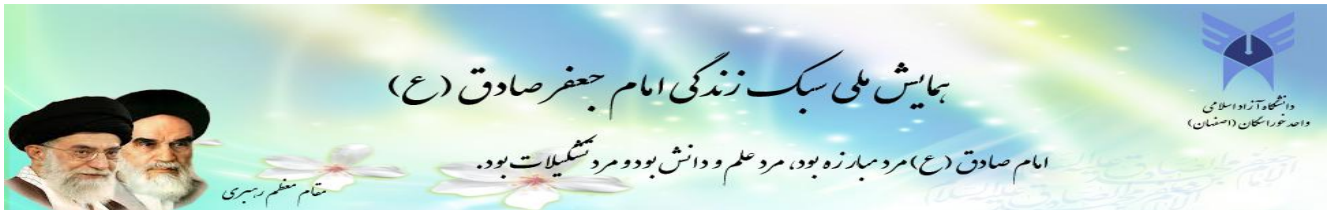
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



چکیده

تربیت فراهم کردن زمینه ای برای شکوفایی استعدادها و به فعلیت رساندن یک موجود است. از جمله اموری است که خانواده و به خصوص والدین بیشتر از همه عهده دار آن هستند. می توان گفت یکی از مباحث مهم در اسلام است که باید مورد توجه قرار گیرد. در عصر حاضر به علت تهاجم های فرهنگی و کارکرد رسانه های غربی لازم است که اهتمام بیشتری در نحوه تربیت فرزندان به شیوه های اسلامی صورت گیرد که در این پژوهش سعی شده است بیشتر از روایات و کتب اسلامی به مسئله تربیت فرزند پرداخته شود. اطلاعاتی که والدین دارند بر اساس القائنات محیطی و تعصبات والدین به آنها رسیده و باید توجه داشت که این اطلاعات ممکن است نادرست و همراه خطا باشد. سال های نخستین عمر مناسب ترین موقعیت برای تربیت فرزندان است زیرا فطرت آنان دست نخورده است و زمینه پذیرش کاملاً مساعد است. محیط، اولین معمای کودک است که تمام القائنات فکری و فرهنگی و آموزشی خود را به کودک ارائه می کند، زیرا که پس از سه چهار سال، وقتی با کودک سخن می گوئیم ملاحظه می کنیم که کودک، درست به زبانی سخن می گوید که والدین، اطرافیان و به طور کلی محیط تربیتی او، به او القا کرده است که در اینجا نقش والدین پررنگ تر است، آنها باید دقت کنند که با عمل خود تربیت کنند نه فقط با زبان والدین موثر ترین نقش را در شکل گیری تربیت فرزندان دارند، مسئولیت هایی در این زمینه دارند که اشاره به آنها ضروری است از جمله: اظهار محبت و بازی با کودک، تربیت دینی کودک، توجه به مسائل جنسی و تنبیه و تشویق که بی توجهی به هر کدام از وظایف از سوی والدین عواقب و آثار سوئی به همراه دارد که جزئی از شخصیت آن فرزند می شود. باید بدانیم که کودکان ما بیشتر از آنچه به آن بگوئیم از رفتار و اعمال ما الگوبرداری می کنند و به راحتی می توان گفت کودکان خود وجودی ما هستند قبل از آنکه به پرورش و تأدیب آنها پردازیم، به پرورش خود پردازیم و سپس اقدام به پرورش کود کانمان کنیم.

کلید واژگان: تربیت فرزند، والدین، تربیت دینی، امام صادق علیه السلام.



فهرست مطالب

۱	مقدمه
۳	۱- جایگاه تربیت
۳	۱-۱- مفهوم تربیت
۴	۱-۲- موضوع و قلمرو تربیت
۴	۱-۳- نقش تربیت و اخلاق در ساختار شخصیت انسان
۵	۱-۴- ضرورت تسریع در تربیت فرزند
۵	۲- عوامل موثر در تربیت فرزند
۵	۲-۱- فطرت
۶	۲-۲- وراثت
۷	۲-۳- محیط خانواده
۸	۳- مسئولیت و نقش والدین در تربیت
۹	۳-۳- قبل از تولد
۹	۳-۱-۱- انتخاب همسر
۱۰	۳-۱-۲- وراثت
۱۰	۳-۱-۳- آداب همبستری
۱۱	۳-۱-۴- دوران بارداری
۱۲	۳-۱-۵- تأثیر غذای مادر بر سلامتی جنین
۱۳	۳-۲- بعد از تولد
۱۳	۳-۲-۱- نامگذاری
۱۳	۳-۲-۲- شیر دادن
۱۴	۳-۲-۳- کودکان شیرخوار را در طرف چپ خود بخوانید
۱۵	۳-۲-۴- از شیر گرفتن
۱۶	۳-۲-۵- بازی کودک

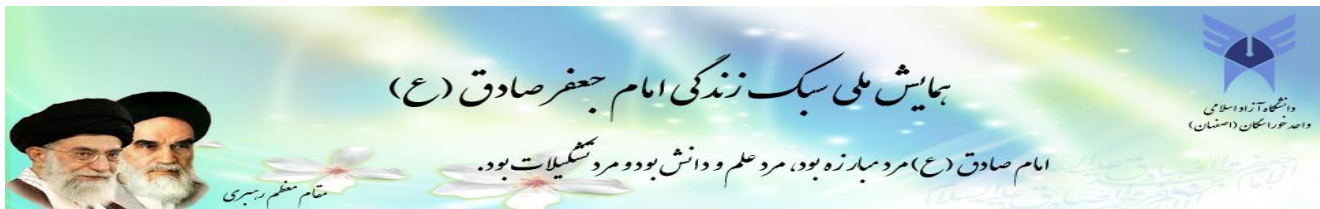


مقام معظم رهبری

بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

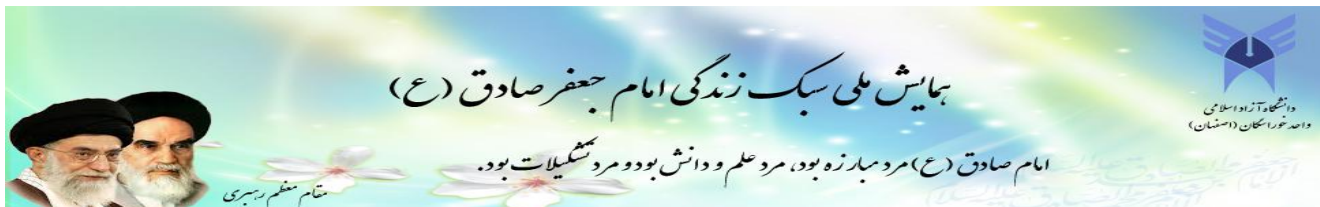
امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

۱۷	۳-۲-۶ بازی والدین با کودک
۱۷	۳-۲-۷ محبت و ابراز دوستی
۱۸	۳-۲-۸ تربیت خوب
۲۰	۳-۳-۳ روشهای تربیت
۲۰	۳-۳-۱ با عمل تربیت کنید نه با زبان
۲۱	۳-۳-۲ تنبیه و تشویق
۲۲	۳-۳-۳ کودک و عقاید دینی
۲۳	۳-۳-۴ کودک و تکالیف دینی
۲۴	۳-۳-۵ مسائل جنسی
۲۶	۳-۳-۶ علم آموزی
۲۸	نتیجه گیری
۲۹	فهرست منابع

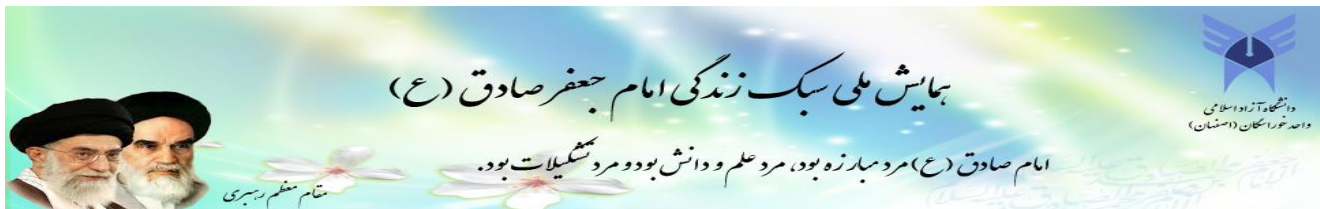


مقدمه

فرزند از کودکی نیازمند به تربیت دینی و اسلامی است و نباید تربیت را حفظ در آداب معاشرت و چگونگی خوردن و خوابیدن دانست بلکه تربیت لحظه به لحظه عمر و همه ابعاد زندگی انسان را در بر خواهد گرفت و از جمله مسائلی است که خانواده به ویژه والدین و بیشتر از همه عهده دار آن هستند؛ بنابراین یکی از مباحث مهم در اسلام است که باید مورد توجه قرار گیرد. به دلیل وجود انبوهی از کتب روانشناسی غربی و یا کتبی که صرفاً در زمینه های تربیتی و رفتاری از منظر علمی در بین منابع و متون روایی و راهکارهای اسلامی است میان منابع موجود اندک است ضرورت پرداختن به این بحث روشن می گردد. هدف از پرداختن به این موضوع را می توان بررسی کتب شیعی و روایی که تربیت کودک را از منظر امام صادق علیه السلام مورد ارزیابی قرار داده است و جمع آوری این مطالب برای بدست آوردن یک مجموعه منسجم برای تربیت کودک در حیطه ی توصیه های دینی و اخلاقی امام صادق علیه السلام دانست. مقاله ی حاضر از شش قسمت تشکیل شده است که قسمت اول به بررسی جایگاه و مفهوم تربیت می پردازد. قسمت دوم عوامل موثر در تربیت است که فطرت، وراثت و محیط خانواده بحث می کند. در قسمت سوم به مسئولیت و نقش والدین در تربیت پرداخته است. در قسمت چهارم به برشمردن وظایف والدین در دوران قبل از تولد و تأثیر هر یک در سرنوشت کودک می پردازد. قسمت پنجم شامل وظایف والدین در دوران بعد از تولد است مانند شیر دادن، بازی با کودک و محبت و ابراز دوستی، قسمت ششم نیز از روش های تربیت از جمله تنبیه و تشویق، تربیت دینی و تربیت جنسی بحث می کند. پژوهش حاضر این مسأله را مورد بررسی قرار می دهد که تربیت فرزند از دیدگاه امام صادق علیه السلام چیست؟ امام صادق علیه السلام در زمینه تربیت دینی و اخلاقی کودکان چه توصیه ها و رهنمودهایی دانسته اند؟ این پژوهش در مرحله ی جمع آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده ها از روش کتابخانه ای استفاده کرده است. نوآوری که این تحقیق به دنبال آن است، بازکاوی و بررسی مجدد روایات و دستور العمل های اسلامی بویژه احادیث و روایات امام صادق علیه السلام در جهت پرورش صحیح اخلاقی و دینی کودکان و جمع آوری راهکارهای موثر در تربیت فرزندان تا در یک مجموعه ای واضح و



روشن این موارد در دسترس علاقه مندان قرار گیرد. در این تحقیق به کتبی که احادیث و روایات و آیات را جمع آوری کرده و بر طبق آن الگوهای تربیتی ادامه داده، به بررسی این کتب می پردازد که از آن جمله می توان به کتاب ابراهیم امینی با عنوان آئین تربیت، دانشمند فقید آقای محمد تقی فلسفی در کتاب کودک از نظر وراثت و تربیت، محمد محمدی ری شهری با عنوان حکمت نامه ی کودک و بانو غرویان با موضوع تربیت فرزند اشاره کرد. در زمینه ی تربیت کودک آثار فراوانی موجود است که یا به صورت پراکنده و یا به صورت منسجم به این بحث پرداخته شده است اما متأسفانه کتبی که از شیوه های اسلامی یا روان شناسی اسلامی استفاده کرده باشند بسیار محدودند.

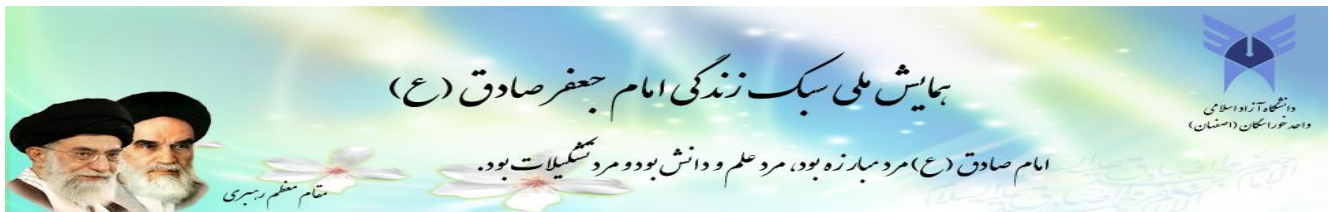


۱- جایگاه تربیت

۱-۱- مفهوم تربیت

تربیت مصدر باب تفعیل از ماده (ربی، یربی) به معنی رشد است و تربیت به معنی رشد دادن، مرحوم دهخدا در لغتنامه تربیت را به این معانی آورده است: پروردن، پروراندن، پرورش کودک تا بالغ شود- پروردن و آموختن و ویژگی های تربیت آن است که هر سه حوزه جسم و عقل و قلب آدمی را در بر گرفته است. معنای اصطلاحی تربیت عبارت است از رشد دادن یا فراهم کردن زمینه ی رشد یا شکوفایی استعدادها و رساندن قوای نهفته یک موجود به فعلیت. تربیت اختصاص به انسان ندارد و در مورد هر موجودی که قابلیت رشد داشته باشد بکار می رود و اگر در مورد انسان بکار رود کلیه ی ابعاد وجودی وی را شامل می شود. در قرآن واژه «تزکیه» فراگیرترین واژه هایی است که قرآن در مورد تربیت اخلاقی به کار برده است.

تعریفی دیگر از تربیت عبارت است از رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آنکه استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود. انسان موجودی است با استعدادهای شگرف و گرانقدر چنانکه از رسول اکرم (ص) روایت شده که فرمودند: «مردم چون معادن طلا و نقره اند» با این تعبیر



باید آنچه را که مانع شکوفایی استعداد‌های انسان است، رفع کرد و زمینه‌های مساعد را فراهم کرده تا استعداد‌های انسان به فعلیت رسد و انسان متصف به کمالات الهی شود^۱.

پس علم با بعد والایی که دارد مقدم نیست بلکه غایت تربیت و خواسته شرایع و تکالیف الهی است و این علم جز از طریق تزکیه نفس میسر نمی‌گردد. در قرآن تعلیم و تربیت (تزکیه) در کنار هم آمده‌اند و گاه تعلیم بر تزکیه مقدم است و گاه بر عکس^۲.

۱-۲- موضوع و قلمرو تربیت

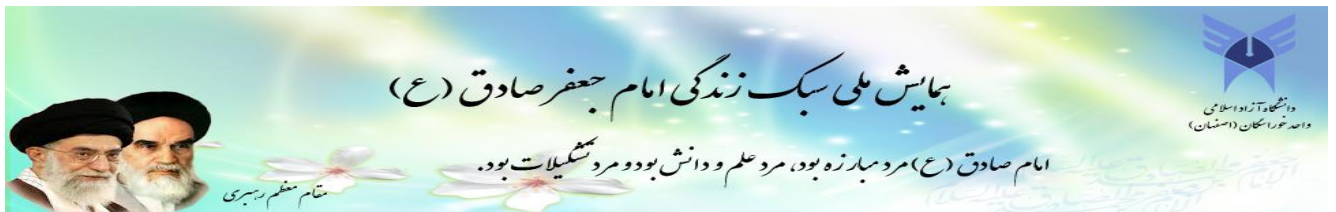
هر علمی موضوعی دارد که در آن علم از مسائل مربوط به آن موضوع بحث می‌شود. موضوع تربیت و اخلاق (انسان) است. انسان از دیدگاه اسلام و مکاتب الهی دارای دو بعد جسمانی و روحانی است که هر کدام قابلیت تربیت را دارد. انسان از هنگام انعقاد نطفه تا بزرگسالی در بعد جسمانی رشد می‌یابد و در بعد معنوی نیز احساسات، عواطف، فکر، عقل، ایمان و اخلاق او همواره در حال تربیت است و تربیت بعد معنوی است که شخصیت واقعی انسان را تشکیل می‌دهد و حامل ارزشهای اخلاقی است.

تربیت اسلامی تمام ابعاد وجود انسان را در زمینه‌های مادی، معنوی، عقلی، عاطفی، اخلاقی، عرفانی، فردی و اجتماعی در بر می‌گیرد و اخلاق همان ملکه نفسانی است که از دیدگاه اسلامی بر ایمان و تعبد و تسلیم در برابر آفریدگار جهان متکی است و بدین ترتیب جوهره‌ی آن یک حقیقت بیش نیست. اما در عینیت و عمل جلوه‌های مختلفی دارد و در هر یک از روابط انسان قابل تصور است. مانند رابطه‌ی انسان با خدا، با خود و با مردم.

۱-۳- نقش تربیت و اخلاق در ساختار شخصیت انسان

^۱ - استاد تهرانی، سیری در تربیت اسلامی.

^۲ - بقره. ۱۲۹، جمعه ۲.

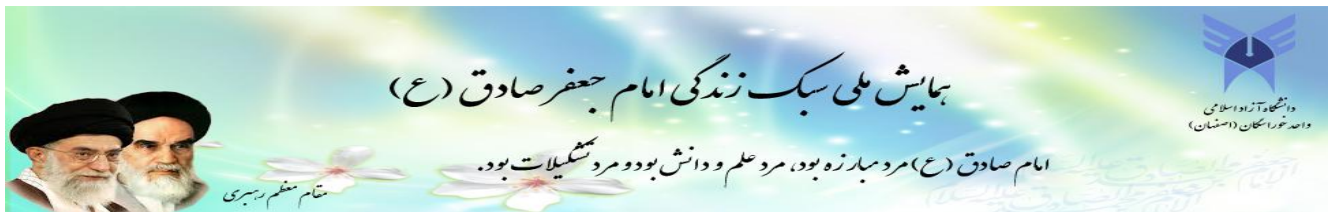


نقش تربیت شکوفا سازی شخصیت واقعی انسان و به فعلیت رساندن قوا و استعدادهای نهفته اوست و بدون تربیت، آدمی شخصیت واقعی خود را باز نمی یابد و از حقیقت انسان و هویت مستقل خویش آگاه نمی گردد و آنچه خارج از این حوزه یافته است خود انسانی او نیست و بشر تنها با تعلیم و تربیت آدم حقیقی تواند شد و آدمی چیزی جز آنچه تربیت از او می سازد نیست. تربیت و اخلاق انسان است که می تواند روح ملکوتی انسان را به اوج کمال برساند و چهره واقعی انسان را به نمایش گذارد و احیای شخصیت انسان و فلاح و رستگاری او به فضایل اخلاقی است و سقوط و تباهی شخصیت او به رذایل اخلاقی. پس تربیت اخلاق با مفهوم دینی و الهی آن، احیاگر شخصیت و هویت واقعی انسانی و به اوج رساننده ی کمالات معنوی اوست.

۱-۴- ضرورت تسریع در تربیت فرزندان

برای موجوداتی که در طریق تغییر، تحول، رشد و تکامل هستند معمولاً موسم مناسبی وجود دارد که در آن به بهترین و مناسبترین رشد خود می رسند و آثار مورد انتظار از آنها تجلی می یابد. گلهای در موسم بهار می رویند، چشمه ها در فصل زمستان جاری می شوند و... تربیت فرزند نیز موسم مناسب خود را دارد که در آن بهتر و آسانتر به بار می نشیند. موسم مناسب تربیت، در اوایل زندگی یعنی دوره کودکی، نوجوانی و عنفوان جوانی است، آنگاه که فرزند هنوز قلبی آسمانی و بی آرایش دارد، آنگاه که هنوز هواهای نفسانی و خواهشهای غیر انسانی به سرزمین وجود او هجوم نیاورده است. از سوی دیگر والدین به عنوان مهمترین مربیان فرزندان خود نیز همیشه فرصت و حوصله تربیت - که امری ظریف و در عین حال پیچیده است را ندارد زیرا آنگاه که بهار عمر والدین به روزهای آخر رسید و ضعف و سستی بر آنان مستولی گشت توان تربیت و راهنمایی مفید را نداشته و از ایفای نقش مربیگری برای فرزندان عاجز می گردند.

فرزند در دستان والدین امانت الهی می باشد، پس ضرورت دارد که از آن امانت به نحو احسن و طبق راهنمایی های مذهب حراست و نگهداری شود و آن را صحیح و سالم به صاحب



اصولی یعنی خداوند تحویل داد. خوب تربیت کردن آنها در پیشگاه خداوند پاداش خوب دارد و بد تربیت کردن آنها هم پاداش بد در پی دارد^۱.

امام صادق علیه السلام فرمود: «بهترین چیزی که پدران برای پسرانشان به ارث می گذارند تربیت است، نه مال، چرا که مال می رود و تربیت می ماند^۲.

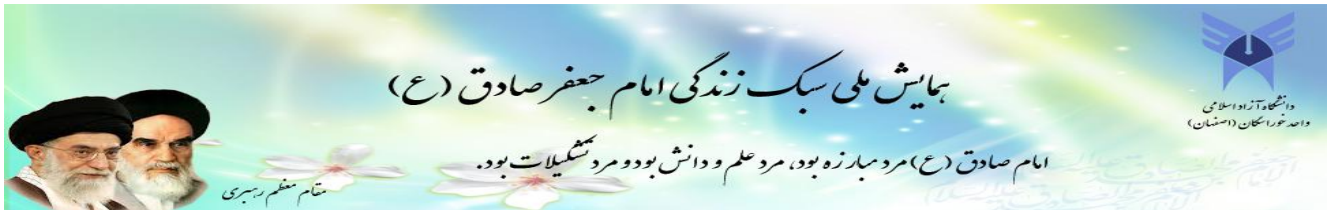
۲- عوامل موثر در تربیت

۲-۱- فطرت

فطریات اولیه ی انسان سرمایه هایی است که خداوند حکیم به منظور تأمین سعادت بشر در نهاد هر کودک به وجود آورده و او را با همان سرمایه ها آفریده است. اگر فطریات از کودکی با پرورشهای صحیح و حمایت های عالمانه تقویت شوند از قوه به فعلیت در آیند، در پرتو آن اساس سعادت کودک پی ریزی می شود و تا پایان زندگی ضامن خوشبختی او خواهد بود. کودک قبل از آنکه عقلش به فعلیت برسد و قادر به درک مطالب علمی گردد، فطرت توحیدی و عواطف اخلاقی در ضمیر او فعلیت دارد و برای پذیرش تربیت آماده است. لازم است پدر و مادر به ارزش این فرصت مهم متوجه باشند و از بیداری فطرت ایمانی و احساسات کودک حداکثر استفاده را بنمایند و از اوان طفولیت، در روان وی ایمان به خدا و سجایای اخلاقی را پرورش دهند و پیش از آنکه عقلش به خوبی شکفته شود و در راه تحصیل علم و درک حقایق عقلانی قدم بر دارد، طفلی پاک نهاد و با ایمان، خوش اخلاق و مورد اعتماد بار آمده است^۳.

۲-۲- وراثت

^۱ - سید مجتبی، موسوی زنجانرودی، تربیت مذهبی کودک، چاپ هفتم، زمستان ۱۳۸۴، انتشارات میثم تمار، ص ۲۸.
^۲ - محمد، محمدی ری شهری، حکمت نامه ی کودک، همکار و مترجم: عباس پسندیده، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵، ص ۱۳۵، غررالحکم، حدیث ۵۰۳۶.
^۳ - محمد تقی فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، «بخش دوم»، تلخیص: محمد رضا جوادی، چاپ دوم ۱۳۸۶، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۱۱، ۶۱.



از مدتها پیش دانشمندان به دنبال تحقیقاتی که انجام داده اند پی بردند که موجودات زنده اعم از گیاهان، اشجار، حیوانات و انسانها بسیار از خصوصیات و اوصاف ظاهری و باطنی خود را به نسل بعد منتقل می کنند^۱.

همانطور که صفات نیک و بد همه مانند رنگ پوست، ساختار بدن، قیافه و دیگر ویژگی ها قابل انتقال است؛ بنابراین در ماه ها قبل از بارداری باید به خودسازی و پیشرفت در امور معنوی پرداخت تا زمینه های طبیعی تربیت مذهبی و معنوی فرزندان فراهم گردد و در مقابل، زمینه های انتقال بیماری های روحی به کودک فراهم نیاید^۲.

امام صادق (ع) فرمود «همانا خداوند برای رحم، چهار ظرف آفریده است. از این رو آنچه [از نطفه که] در ظرف نخستین قرار گیرد، برای پدر است و آنچه در دو بین قرار گیرد، برای مادر است و آنچه در سومین قرار گیرد برای عموهاست و آنچه در چهارمین قرار گیرد برای دایی هاست»^۳.

امام صادق (ع) فرمود: «همانا خداوند- تبارک و تعالی- هر گاه اراده کند که کسی را بیافریند همه ی صورت های بین او تا آدم را جمع می کند، سپس او را بر صورت یکی از آنان می آفریند، پس هرگز کسی درباره ی خود نگوید: این نه شبیه من است، نه شبیه هیچ یک از نیاکان من»^۴.

امام صادق (ع) - در زیارت اربعین سید الشهداء: «پدر و مادرم فدای تو، ای فرزند پیامبر خدا! گواهی می دهم که تو نوری در پشت های بزرگوار و رحم های پاک بودی، آلودگی های جاهلیت تو را نیالود و ناپاکی ها، لباسش را بر تو نپوشاند»^۵.

^۱ - غلامحسین، رحیمی اصفهانی، وظایف والدین و فرزندان در برابر یکدیگر، یاران قم، انتشارات عسکریه، چاپ اول ۱۳۸۰، ص ۶۲.

^۲ - محمد علی، قاسمی، سرچشمه ی تربیت، چاپ پنجم، نورالزهراء، قم، ۱۳۹۲، ص ۸۶.

^۳ - محمد، محمدی ری شهری، حکمت نامه ی کودک، همکار و مترجم: عباس پسندیده، قم، دارالحديث، ۱۳۸۵، ص ۴۳، کافی ج ۶، ص ۱۷.

^۴ - صدوق، قمی، من لایحضره الفقیه، ترجمه علی اکبر غفاری و محمد جواد صدر بلاغی، صدوق، ج ۳، ص ۴۸۴.

^۵ - محمد، محمدی ری شهری، حکمت نامه ی کودک، ص ۴۷، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۴.



۲-۳- محیط خانواده

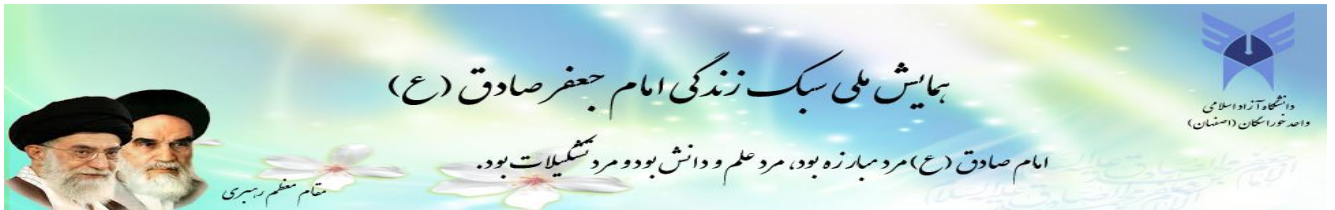
خانواده اولین کانون پرورشی کودک است و پدر و مادر اولین مربیانی هستند که نقش مستقیم در تعلیم و تربیت کودک دارند، به خصوص مادر که در هفت سال اولیه زندگی مهمترین نقش را در پرورش او به عهده دارد همانگونه که اخلاق فردی هر یک از والدین، اهمیت بسزایی در تربیت فرزندان دارد، اخلاق خانوادگی و جو و فضای کلی محیط خانه نیز در این زمینه موثر است. اگر جو خانواده، جوی فاسد و به دور از اخلاق اسلامی و انسانی باشد، فرزندان نیز متناسب با همین محیط رشد می کنند و بعکس اگر محیط خانه، محیطی سالم، انسانی، اسلامی و اخلاقی باشد ناخودآگاه اثر وضعی خود را روی فرزندان خواهد گذاشت و آنها از پرورش صحیحی برخوردار خواهند بود.^۱ پیامبر اکرم (ص) در مورد تأثیر خانواده بر تربیت فرزند می فرماید: «هر نوزادی بر فطرت توحید متولد می شود، پدر و مادرند که او را به یهودیت یا نصرانیت متمایل و از راه فطرت، منصرف می سازند»^۲.

۳- مسئولیت والدین در تربیت

کودک در اوائل وجود، هنوز شکل نگرفته و برای هر یک از سعادت و شقاوت قابلیت دارد می تواند یک انسان کامل گردد و یا به صورت یک حیوان پست و فرومایه درآید و این کار بزرگ بر عهده پدر و مادر نهاده شده است. بزرگترین خدمتی که پدر و مادر می توانند نسبت به فرزندشان انجام دهند این است که فردی خوش اخلاق، مهربان، دانا، درستکار، با ایمان و وظیفه شناس پرورش دهند. کودکان امروز پدران و مادران آینده و مربیان فرزندان خود خواهند شد و تربیت های خوب یا بد خود را به فرزندان خویش منتقل خواهند ساخت و بنابراین پدران و مادران با خواست خود می توانند اجتماع آینده را اصلاح کنند یا به فساد و تباهی بکشند و به همین جهت نسبت به اجتماع هم مسئولیت بزرگی دارند. کسانی که پدر و مادر می شوند مسئولیت بسیار سنگینی را بر دوش می گیرند

^۱ - بانو غرویان، تربیت فرزند، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۴، موسسه انتشارات نبوی، قم، ص ۳۰-۲۹.

^۲ - ابراهیم، مظاهری، با فرزندان در سایه قرآن، بازنویس: یوسف غلامی، چاپ اول ۱۳۷۶، انتشارات ظفر، ص ۴۶.



و در برابر خدا و خلق و فرزندانمان مسئول می شوند اگر درست انجام وظیفه کردند بزرگترین خدمت را نسبت به آنها انجام داده اند و در دنیا و آخرت پاداش نیک خواهند دید و اگر در این باره کوتاهی نمایند هم خودشان متضرر خواهند شد هم نسبت به فرزندانمان و اجتماع آینده، مرتکب خیانت و گناه نابخشودنی می شوند^۱، پس لازم است والدین با آموزش های صحیح و پرورش استعداد های ذاتی که از ناحیه خداوند در نهاد فرزندان به ودیعه نهاده شده با الهام گرفتن از دستورات دینی آنان را در مسیر تکامل مادی و معنوی قرار دهند^۲.

امام صادق (ع) می فرماید: «بنده مومن، همواره برای خانواده اش، دانش و تربیت شایسته به ارث می گذارد تا همه را وارد بهشت سازد، به گونه ای که بهشت نه کوچکشان، نه از بزرگشان، نه از خادمشان، نه از پناهنده شان خالی نباشد. نیز بنده ی نافرمان [خدا] برای خانواده اش تربیت ناشایست به ارث می گذارد تا همه ی آنان را وارد دوزخ سازد به گونه ای که [دوزخ] نه از کوچک خانواده اش نه از بزرگشان، نه از خادمشان و نه از همسایه شان تهی نباشد^۳» همچنین می فرماید: «بهترین چیزی که پدران برای پسرانشان به ارث می گذارند تربیت است، نه مال؛ چرا که مال می رود و تربیت می ماند^۴».

۳-۱- پیش از تولد

۳-۱-۱- انتخاب همسر

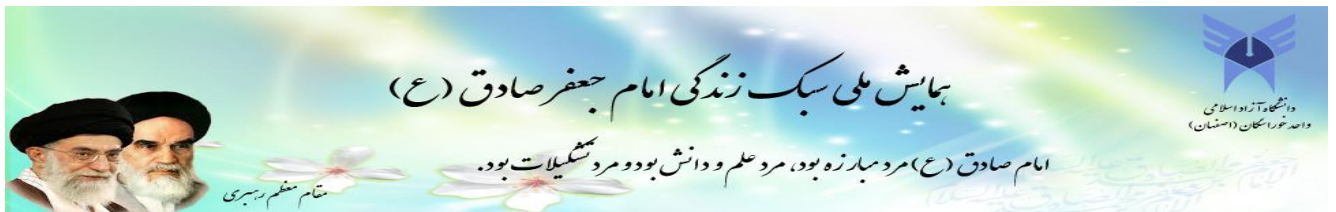
برای فرزند خواهی رهنمود های بسیار قابل توجهی از ناحیه دین مقدس اسلام به پیروان خود داده شده است از جمله ی آنها انتخاب همسر می باشد که انسان با چه افرادی ازدواج کند و در نتیجه فرزندان خوب و صالح و سالمی داشته باشد. این مسئله هم در مرد قابل توجه است و هم در زن.

۱ - ابراهیم، امینی، آئین تربیت، چاپ هفدهم، پاییز ۱۳۸۱، چاپخانه: صاحب کوثر، ص ۱۱، ۱۴.

۲ - غلامحسین، رحیمی اصفهانی، وظایف والدین و فرزندان در برابر یکدیگر ص ۵۲.

۳ - محمد، محمدی ری شهری، حکمت نامه ی کودک، ص ۱۳۵، دعائم الاسلام: ج ۱، ص ۸۲.

۴ - همان، ص ۱۳۵، غررالحکم، ج ۵۰۳۶.



آئین مقدس اسلام در آغاز به پیروان خود دستور داده که با همکیشان خود وصلت کنند آن هم با فردی متدین، صالح و عقیف^۱.

پیامبر اسلام و جانشینان معصوم ایشان، ازدواج با یک سلسله از زنها نکوهیده اند از جمله می فرمایند: «ازدواج با زنهای احمق بپرهیزید، چون مصاحبتشان مصیبت است و فرزندانشان ضایع^۲».

چون زن و شوهر هر دو در ساختار جسمی و روحی فرزند تأثیر دارند لذا در انتخاب همسر، دین حساسیت ظریفی را نشان داده است. همان خصوصیات و ویژگی هایی که درباره ی زن بیان داشته در خصوص مرد نیز عنایت کرده و از جمله آنها هم کفو بودن در مسائل و ابعاد گوناگون می باشد. هم کفو بودن در دین، اخلاق، تحصیل و اصالت خانوادگی است و اهتمام اسلام بیشتر به دیندار بودن می باشد. امام صادق (ع) فرمود: «با شراب خوار مجالست نکنید و به او زن ندهید و از او دختر نگیرید^۳». هم چنین می فرمایند: «هر کس عزیز خود را به ازدواج مرد شرابخوار در آورد، قطع رحم کرده است^۴».

۲-۱-۳ وراثت

خداوند در قرآن می فرماید: «زمین پاک و نیکو گیاهش به اذن خدا نیکو برآید و زمین خشن و ناپاک جز گیاه اندک و کم ثمر بیرون نیاورده و نیز می فرماید: «زنان شما، کشتزار شمایند^۵».

لطافت این آیه در این است که باغبان را هشدار داده تا بذر سالم خود را در هر زمین غیر مستعد نکارد و عوامل موثر در ضایع شدن شناسایی کند و شرایط ثمر دادن را خوب در نظر داشته باشد. هیچ یک از دانشمندان، نقش وراثت را در تربیت انکار نکرده اند. اختلاف نظری که وجود دارد

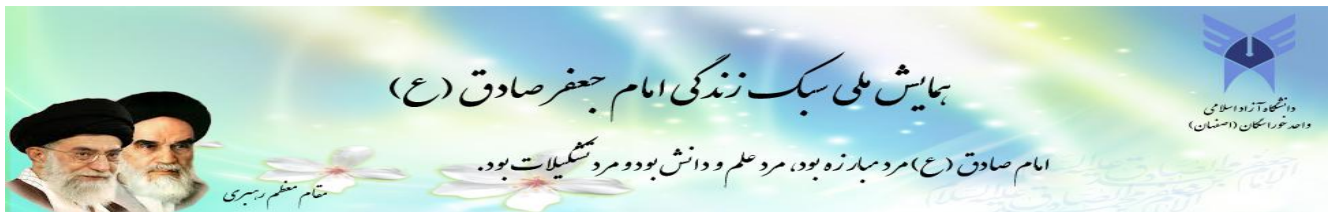
۱ - سید مجتبی، موسوی زنجانرودی، تربیت مذهبی کودک، چاپ هفتم، زمستان ۱۳۸۴، انتشارات میثم تمار، ص ۱۵.

۲ - شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، مترجم: علی افراسیابی، مکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۲۰، ص ۸۴.

۳ - شیخ محمد، عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۴۹.

۴ - همان، ج ۲۰، ص ۷۹.

۵ - اعراف، آیه ۵۸، بقره، آیه ۲۲۳.



در کیفیت اثرگذاری آن است. طبیعی است که از پدر و مادر کم خرد و بدخلق هیچ گاه فرزندی خردمند و خوش خلق به وجود نمی آید مگر آن که طفل آنان در این صفات از نسلهای گذشته ی خود چیزی کسب کرده باشد^۱. روایات اهل بیت علیهم السلام نیز به طور آشکار بر این مطلب تأکید کرده اند. امام صادق (ع) از رسول اکرم (ص) روایت کرده است که فرمود: «از ازدواج با احمق پرهیزید زیرا هم نشینی با احمق مایه ی اندوه و بلاء و فرزندش نیز مهمل و بدبخت است»^۲.

۳-۱-۳ آداب همبستری

امام صادق (ع) می فرماید: برای دور ساختن شیطان از خود و فرزندانان این گونه دعا کنید: «پروردگارا! به عنوان امانت این همسر را بر گزیدم و با کلمات تو او را بر خویش حلال ساختم، پس اگر از او فرزندی برایم مقدر کرده ای، او را با برکت، پرهیزگار و از شیعیان خاندان پیامبر (ص) قرار بده و در او بهره و نصیبی برای شیطان قرار مده»^۳.

امام صادق (ع) می فرماید: «دشمن ما اهل بیت نیست، مگر کسی که فرزند زنا یا ایام حیض باشد»^۴. در حدیثی دیگر امام صادق به شخصی بنام عذا فرمودند: آیا این ناهنجار آفریده شدگان را می بینی؟ گفتم آری، امام فرمود: «اینان کسانی هستند که پدرانشان با همسران خود در دوران آلودگی آنان آمیزش می کردند»^۵.

هم چنین می فرمایند: «نزدیکی در خانه ای که کودکی در آنجاست و آنها را می بیند یا صدای آنان را می شنود سبب می شود که کودک بیننده زناکار گردد»^۶ و یا فرزندی که از ایشان تشکیل تشکیل می شود زناکار گردد» و نیز می فرمایند: «مرد وقتی نزد خانواده اش می رود و می ترسد که

^۱ - ابراهیم، مظاهری، با فرزندان در سایه قرآن، ص ۴۰، ۴۴.

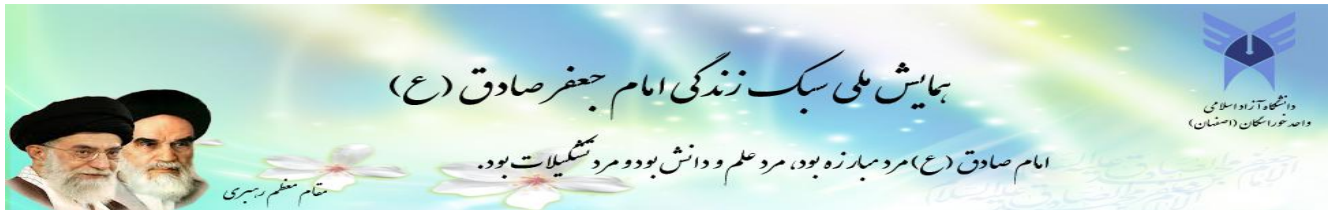
^۲ - علامه محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۲۳، ص ۱۴.

^۳ - محمد علی، قاسمی، سرچشمه ی تربیت، ص ۱۲۷، الکافی، ج ۵، ص ۵۰۰.

^۴ - صدوق، قمی، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۹۶.

^۵ - علامه، محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۸۶.

^۶ - محمد علی، قاسمی، سرچشمه ی تربیت، ص ۱۵۰، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۲۸.



شیطان سهیم شود بگوید: «بسم الله و از شیطان به خدا پناه برد»^۱. بنابراین آنچه در زمان نزدیکی از ذهن زوجین می گذرد با حالت نطفه و تخمک ارتباط مستقیم دارد.

۳-۱-۴ دوران بارداری

هر چند جنین از یک سلول آمیخته از نطفه مرد و زن بوجود می آید ولی تردیدی نیست که با قرار گرفتن نطفه در رحم زن رابطه ی وراثتی و سازندگی پدر با وی قطع می شود و این مادر است که کودک را می سازد. چنان که پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «شقی و بدبخت کسی است که در رحم مادر بدبخت شده و سعادت مند کسی می باشد که در رحم مادر سعادت مند گشته است»^۲.

حالات جسمانی و روانی مادر در دوران بارداری نیز نقش موثری در شکل گیری روحیات فرزند دارد، چرا که جنین در درون رحم مادر همانند یک عضو در پیکر مادر است، همان گونه که تغییرات جسمی و مواد مورد تغذیه مادر، تاثیر مستقیم روی جنین دارد، اخلاق، تحولات روحی و افکار او نیز در جسم و جان کودک اثر می گذارد همان طور که ضربه های جسمی بر مادر چه بسا موجب سقط جنین می شود، ضربه ها و فشارهای روحی و اخلاقی نیز ممکن است چنان تاثیری بر روی جنین داشته باشد که موجبات سقوط معنوی و اخلاقی او را در آینده فراهم سازد. البته پدران نیز در این زمینه وظیفه خطیری را بعهده دارند که باید گفت مهمتر از مسئولیت مادران می باشد^۳.

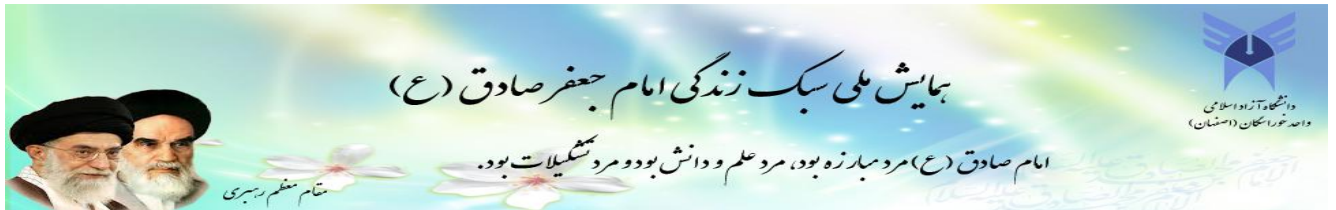
۳-۱-۵ تاثیر غذای مادر بر سلامتی جنین

کودک عضو رسمی بدن مادر نیست اما به هر حال از خون مادر و غذای او تغذیه می کند و پرورش می یابد. غذای یک خانم آبستن باید به طوری غنی و کامل باشد که از یک طرف احتیاجات

^۱ - شیخ محمد، عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۹۶، باب ۶۸.

^۲ - غلامحسین، رحیمی اصفهانی، وظایف والدین و فرزندان در برابر یکدیگر، ص ۶۸، بحار ج ۳، ص ۴۴.

^۳ - بانو غرویان، تربیت فرزند، ص ۳۰، ۳۱.



غذایی بدن خودش را تأمین کند و از طرف دیگر مواد غذایی مورد نیاز کودک را در اختیارش قرار دهد.^۱

در این دوران پدر و مادر باید به این مراقبتها اهمیت بیشتری بدهند. یکی از این مسائل، تغذیه پدر و مادر از غذاهای پاک و حلال است. لقمه ی ناپاک و حرام در گوشت و خون والدین نفوذ کرده و از طریق آمیزش به جنین انتقال می یابد. پدر هر چه پرهیزگارتر، فرزند شایسته تر، سالم تر و صالح تر و در مرحله دوم این مادر است که باید مراقبت های ویژه از جنین داشته باشد.^۲

امام صادق (ص) بچه ی زیبایی را دید، فرمود شایسته است پدر این کودک در شب هم بستری میوه ی به خورده باشد. در روایت دیگری درباره ی به فرمودند: «این میوه را به زنان باردار خود بخورانید اطفال شما را زیبا می کند».^۳

وضع تغذیه مادر، در ایام بارداری، حتی در اخلاق و مقدار هوش و استعداد کودک نیز تأثیر دارد زیرا اعصاب و مغز کودک از غذای مادر درست می شود و هر نوع غذایی اثر مخصوص دارد. اسلام نیز تصریح کرده که غذای مادر در پرورش اخلاقی کودک نیز موثر می باشد. چگونگی تغذیه مادر در چگونگی شیر او نیز اثر دارد چون شیر هم از غذای مادر درست می شود. اسلام نیز به این مطلب توجه داشته که غذای مادر در شیر او تأثیر دارد.^۴

۲-۳- بعد از تولد

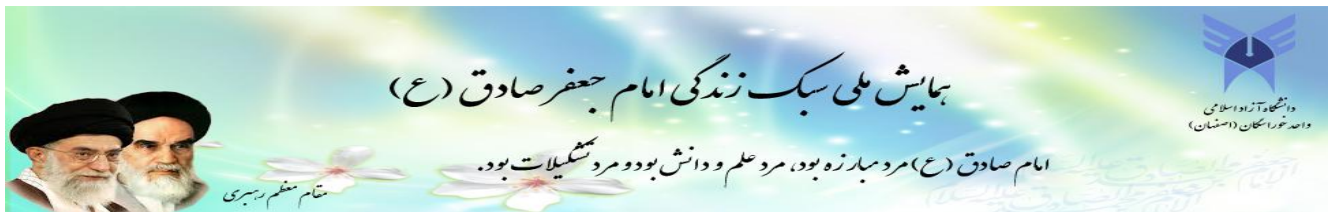
۱-۲-۳ نامگذاری

۱ - امینی، ابراهیم، آئین تربیت، ص ۳۶.

۲ - سید مجتبی، موسوی زنجانرودی، تربیت مذهبی کودک، ص ۲۲-۲۳.

۳ - پیام آزادی، حدیث تربیت کودک از سخنان چهارده معصوم، چاپخانه طلوع آزادی، پیام آزادی، دی ماه ۱۳۶۱، ص ۲۸.

۴ - ابراهیم، امینی، آئین تربیت، ص ۳۹.



از اولین روزی که کودک قدم به دنیا می گذارد. در اسلام عنایت شده که تا سه روز اسم کودک گذاشته شود. سیره ی پیامبر اکرم (ص) این بوده که هنگام نامگذاری کودک ابتدا اذان به گوش راست او و سپس اقامه به گوش چپ او می خواند و آنگاه نام کودک را می نهاد. اسلام یکی از وظایف پدر و مادر را نسبت به فرزند انتخاب نام نیک قرار داده است.^۱ امام صادق (ع) فرمودند: «اولین قدم خوبی که انسان بر می دارد این است که نام نیک بر فرزند خود بگذارد، پس در این کار نیک کوتاهی نکنید.^۲»

از طرف دیگر انتخاب نام نیک اثر بزرگ اجتماعی دارد. نامگذاری است که اهداف و افکار و آرمان های پدر و مادر را آشکار می نماید و آنها و فرزندانشان را رسماً به جمعیتها و مرامهای گوناگون وابسته و ملحق می سازد. اگر پدر و مادر دیندار باشند نام پیغمبران و امامان و بزرگان دین انتخاب می کنند.^۳

۳-۲-۲ شیر دادن

از آنجا که کودک در ایام شیرخوارگی از شیره جسم و جان مادر او تزاوق می کند بدون تردید شیر در تحول و دگرگونی جسم و روح وی اثرات غیر قابل انکاری می گذارد و بسا فطرت و طبیعت کودک را زیر و رو می نماید. سفارش شده که کودک از هر دو پستان شیر بدهد تا شیرتان خشک نشود و به پستان درد مبتلا نگردید.^۴ زنی می گوید حضرت صادق (ع) به من فرمود: «بچه ات را از یک پستان شیر نده بلکه از هر دو پستان شیر بده تا برایش غذا و شراب کاملی باشد».^۵

همانطوری که کم خردی، زشتی و زیبایی و با طهارت بودن زن از طریق شیر در کودک اثر می گذارد، انحراف فکری و ناپاکی شیر و زن نیز در کودک موثر خواهد بود. حضرت صادق (ع)

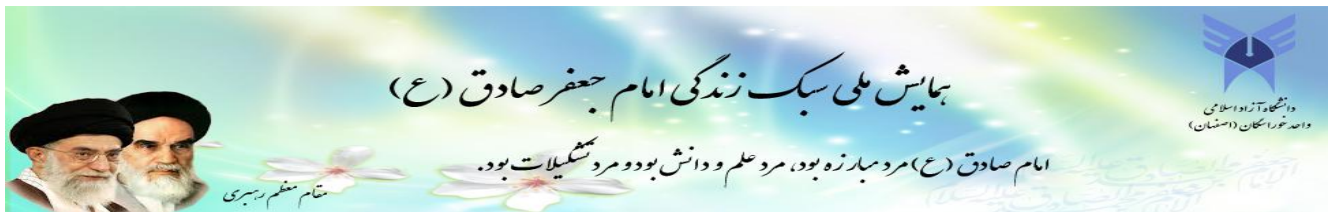
^۱ - سید مجتبی، موسوی زنجانرودی، تربیت مذهبی کودک، ص ۳۱.

^۲ - شیخ محمد، عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۸۹.

^۳ - ابراهیم، امینی، آئین تربیت، ص ۸۸.

^۴ - غلامحسین، رحیمی اصفهانی، وظایف فرزندان و والدین در برابر یکدیگر، ص ۷۰.

^۵ - شیخ محمد، عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۷۶.



بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری



فرمود: «برای کودک از زن مجوس در خواست شیر دادن [به فرزند] نکن، ولی از زن یهودی و مسیحی درخواست کن. البته نباید شراب بنوشند و باید از این کار، بازداشته شوند. شیر دایه ی احمق و زشت رو، مناسب نیست؛ ولی شیر زن پاکیزه ی زیبا خوب است»^۱.

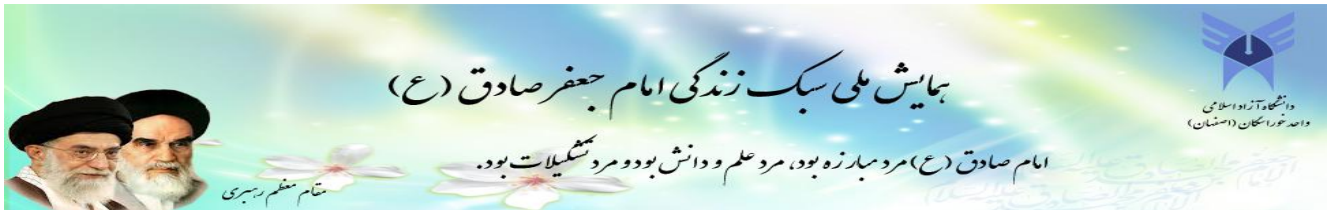
عبیدالله حلبی می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم آیا جایز است زنی را که از زنا زاده شده است، به عنوان دایه انتخاب کنم؟ فرمود: «نه او و نه از دخترش، درخواست شیر نکن»^۲.

۳-۲-۳ کودکان شیرخوار را در طرف چپ خود بخوابانید

یکی از مظاهر نبوغ علمی امام جعفر صادق (ع) توصیه او به مادران بود تا اینکه کودکان شیرخوار را در طرف چپ خود بخوابانند. این توصیه قرن ها چون یک سفارش زائد یابی مورد جلوه میکرد و علتش این بود که هیچکس به فایده این سفارش پی نمی برد. در نیمه قرن نوزدهم میلادی در ایالت نیویورک چند زایشگاه وابسته به مرکز تحقیق مربوط به نوزادان و شیرخوران دانشگاه کورنیل تحقیقاتی را در این زمینه انجام دادند. از گزارشهایی که در طی یک مدت طولانی از طرف آن دکترها به مرکز تحقیق میرسد این نتیجه بدست می آید که در روزهای اول بعد از تولد وقتی نوزاد در طرف چپ مادر میخوابد آسوده تر از آن است که در طرف راست بخوابد و اگر او را در طرف راست بخوابانند در فواصل نزدیک از خواب بیدار می شود و شیون می کند. بعد از آزمایش های متعدد دانشمندان دانشگاه کورنیل دانستند که طفل در شکم مادر نه فقط عادت به شنیدن ضربان قلب او می کند بلکه آن ضربان به حیات وی نیز وابستگی دارد و هرگاه ضربان ادامه نیابد، طفل در شکم مادر از گرسنگی میمیرد. عادتی که جنین، قبل از تولد به شنیدن صدای ضربان قلب مادر دارد طوری در وی نافذ می شود که بعد از تولد هم اگر صدای قرعه های قلب مادر را نشود احساس اضطراب می نماید.

^۱ - محمد، محمدی ری شهری، حکمت نامه ی کودک، ص ۱۲۵، تهذیب الاحکام، ج ۸، ص ۱۱۰.

^۲ - غلامحسین، رحیمی اصفهانی، وظایف والدین و فرزندان در برابر یکدیگر، ص ۷۱، الکافی، ج ۶، ص ۴۲.



در شیرخوارگاههای وابسته به مرکز تحقیق چند بار یک آزمایش را انجام دادند: عده ای از نوزادان را در اطاقی قرار دادند که در آنجا صدای قرعات مصنوعی قلب مادر بگوش کودکان نمیرسد و عده ای را هم در اطاقی قرار دادند که نوزادان در آنجا صدای قرعات مصنوعی قلب مادر را می شنیدند. هر دفعه که این آزمایش را کردند معلوم شد در اطاقی که آنجا قرعات مصنوعی قلب مادر شنیده می شود وزن کودکان، سریع تر از کودکان اطاق دیگر زیاد می شود در صورتی که غذایی که به کودکان دو اطاق داده می شود از حیث نوع، مشابه بود. اما در اطاقی که این صدا شنیده می شود کودکان با اشتهای زیادتر غذا می خوردند و کودکان اطاقی که صدای قرعات مصنوعی قلب مادر در آنجا بگوش نمیرسد کم اشتها می شوند. دکتر لی سالک برای مادران توضیح داد که در تاریکی شب راهنمای کودک برای نوشیدن شیر از پستان مادر، قرعات قلب وی می باشد و طفل که صدای تپش قلب مادر را می شنود مستقیم و بدون تردید پستانش را پیدا می کند و دهان را بر آن می گذارد.^۱

۳-۲-۴ از شیر گرفتن

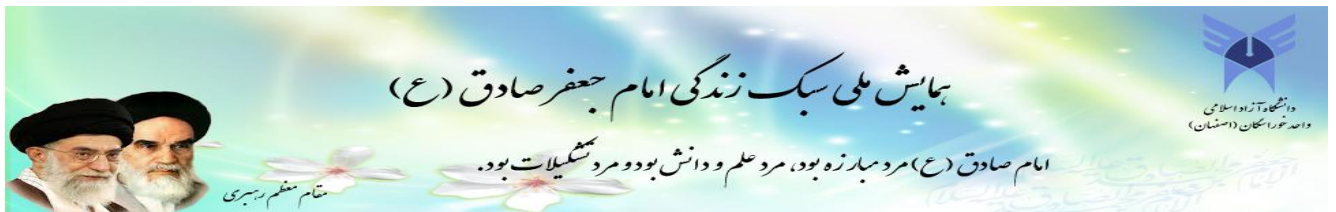
کودک را دو سال تمام باید شیر داد. دو سال شیر خوردن حق طبیعی هر کودکی است که خداوند بزرگ برایش مقرر داشته است. خدا در قرآن مجید می فرماید: «مادران دو سال تمام به بچه های خود شیر می دهند»^۲. و اگر مادر بخواهد زودتر از دو سال بچه را از شیر بگیرد مانعی ندارد به شرطی که حداقل ۲۱ ماه او را شیر داده باشد. حضرت صادق (ع) فرمود: «حداقل دوران شیرخوارگی بیست و یک ماه است. اگر زودتر از این مقدار بچه را از شیر باز گیرند به او ستم کرده اند»^۳. همچنین همراه بودن مادر در این مدت با کودک الزامی است، به غیر از زمانی که کودک در خواب است، مادر خوب است همیشه فرزند را در کنار خود داشته باشد. پس از سپری شدن دوران شیرخوارگی،

^۱ - مرکز تحقیقات اسلامی استراسبورگ، مترجم: ذبیح الله منصور، چاپ نهم ۱۳۶۱، سازمان انتشارات جاوید،

ص ۳۶۲-۳۵۸.

^۲ - بقره، آیه ۲۳۳.

^۳ - ابراهیم، امینی، آئین تربیت، ص ۸۳، وسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۷.



مراقبت‌ها و تربیت‌های ویژه‌ای را می‌طلبد و پدر و مادر در زمانی که کودک هوشیاری لازم رسیده است باید در اعمال و رفتار خود در محیط خانه محتاط و جانبدار باشند^۱.

۳-۲-۵ بازی کودک

بازی یک امر طبیعی و همانند نفس کشیدن برای کودک ضرورت دارد. در سالهای پیش از دبستان بزرگترین سرگرمی و مشغله‌ی کودک، بازی است، بعد از آن تدریجاً روبه نقصان می‌رود و کارهای اساسی‌تر جای آنرا می‌گیرد. کودک برای بازی کردن دلیل ندارد اما به هر حال نمی‌تواند بازی نکند. کودک یک موجود زنده است و هر موجود زنده‌ای باید فعال باشد، بازی هم برای کودک یک نوع فعالیت و کار می‌باشد، بازی نکردن کودک علامت بیماری و ناتوانی اوست. اسلام نیز به نیاز طبیعی کودک توجه داشته و دستور می‌دهد او را آزاد بگذارند تا بازی کند^۲.

امام صادق (ع) فرمودند: «فرزندت را رها کن تا هفت سال بازی کند و هفت سال [دوم] او را تربیت کند و هفت سال [سوم] او را با خودت همراه کن. اگر رستگار شد چه خوب؛ در غیر این صورت، از کسانی است که هیچ خیری در آنها نیست»^۳.

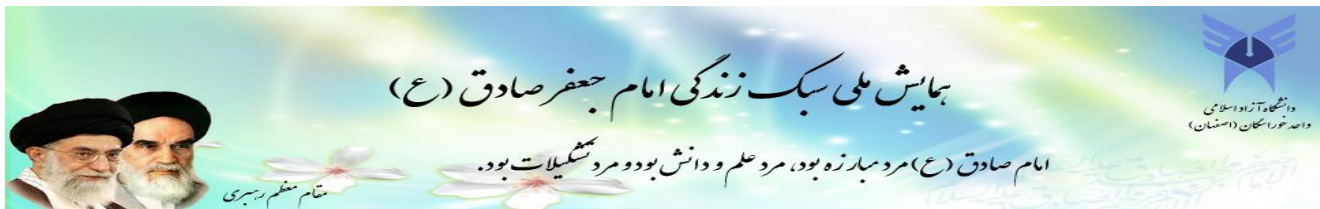
بازی برای کودک یک ورزش طبیعی است، عضلات او را تقویت می‌کند. هوش و قوای عقلانی او را بکار می‌اندازد و نیرو می‌بخشد. عواطف و احساسات اجتماعی کودک را بیدار ساخته او را به سوی زندگی اجتماعی و قبول مسئولیتها سوق می‌دهد.

در مورد ارزش اخلاقی (معنوی) بازی می‌توان گفت در جریان بازی کودک یاد می‌گیرد که چه چیز خوب و چه چیز بد است. کودک در می‌یابد که اگر بخواهد در بازی فرد قابل قبولی به حساب آید، باید صادق، امین، عادل، منضبط، درستکار، مسلط به خود و... باشد.

^۱ - سید مجتبی، موسوی زنجانرودی، تربیت مذهبی کودک: ص ۲۷.

^۲ - امینی، ابراهیم، آئین تربیت، ص ۱۵۰.

^۳ - محمد، محمدی ری شهری، حکمت‌نامه‌ی کودک، ص ۲۴۳، مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۷۷.



۳-۲-۶ بازی والدین با کودک

برای کودک خیلی مهم است که پدر و مادرش در دنیای او وارد شوند. چون والدین، مهمترین افراد برای کودک هستند، بازی کردن آنها با کودک موجب تکریم کودک و بالا رفتن عزت نفس او گشته، احساس خود ارزشمندی و کرامت نفس را برای وی بوجود می آورد همچنین رابطه کودک با والدین را تحکیم می کند و در صمیمی شدن رابطه نقش اساسی دارد^۱.

پیامبر خدا (ص) فرمود: «نزد هر کس کودکی هست، باید با او کودکی کند»^۲. در خاتمه تذکر این مطلب لازم است که گرچه کودک احتیاج به بازی دارد اما مدت بازی باید محدود باشد. باید دوران موقت بازی کودک را طوری ترتیب داد که خود به خود به فعالیت های اجتماعی و کارهای سودمند تولیدی علاقمند گردد و در دوران دوم زندگی بازی را رها کند و به کارهای جدی و سودمند بپردازد و اجازه ندهد که خوی بازیگری و بطالت بر کودک غلبه کند و تا آخر عمر بازیگر بماند^۳.

۳-۲-۷ محبت و ابراز دوستی

پایه حیات بشری بسته به محبت است، محبت است که یک عمر انسان را در حفاظ خود محکم و سالم نگه می دارد و در سرنوشت او نقش مهمی را ایفا می کند و ریشه عمیق روانی و روحی دارد^۴.

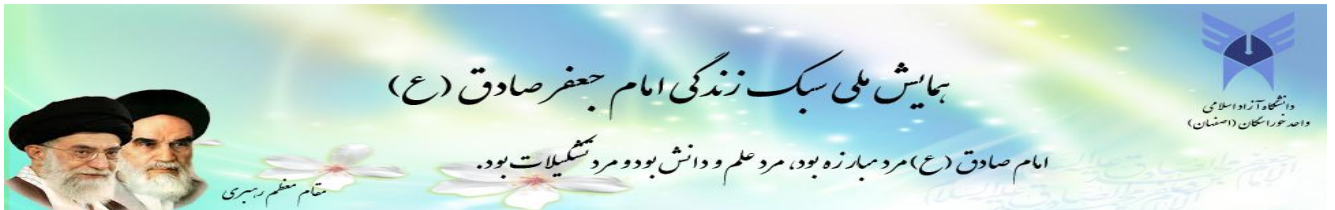
امام صادق (ع) فرمود: «فطرت آدمی چنان ساخته شده که هر کس به او نیکی کند، او را دوست بدارد و هر که با او بد کند دشمن بدارد»^۱. همان طور که کودک احتیاج به غذا دارد به محبت

^۱ - همان، (مترجم، عباس پسندیده، ص ۲۵۹، ۲۶۲.

^۲ - همان، ص ۲۵۱، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۳.

^۳ - ابراهیم، امینی، آیین تربیت، ص ۱۵۹.

^۴ - سید مجتبی، موسوی زنجانرودی، تربیت مذهبی کودک، ص ۳۵.



و نوازش نیز نیازمند است. کودک نمی فهمد که در کاخ زندگی می کند یا در کوخ، اما به خوبی می فهمد که محبوب دیگران است یا نه. با احساس محبوبیت می تواند آرام و راحت به رشد و نمو خویش ادامه دهد و در صفات عالی انسانیت تکامل یابد. محبت ریشه ی اخلاق نیک است: در پرتو محبت می توان احساسات و عواطف کودک را به خوبی پرورش داد و از او انسانی شایسته ساخت. کودکی که از محبت اشباع شده، چون طعم شیرین محبت را چشیده، حاضر است این آب حیات را به دیگران ایثار کند. او با مردم چنان رفتار می کند که دیگران با او رفتار نموده اند. کودکی که در محیط مهر و محبت پرورش یافته بهتر می تواند با مشکلات دوران بلوغ و تغییرات جسمی و روانی رو به رو گردد. دین مقدس اسلام که به مسائل تربیتی عنایت کامل داشته، در مورد محبت سفارش های فراوان به عمل آورده است.^۱

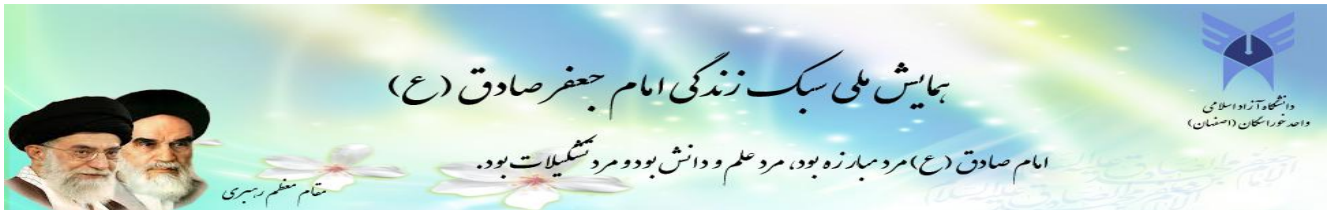
امام صادق (ع) فرمودند: «خدا بنده اش را به واسطه ی شدت محبتی که نسبت به فرزندش دارد مورد مرحمت قرار خواهد داد».^۲ در این مورد نیز مانند سایر موارد اعتدال و میانه روی مدنظر باید باشد و چنان نباشد که محبت موجب جرات و جسارت کودک نسبت به پدر و مادر و یا دیگران باشد. امام صادق (ع) می فرمایند: «بدترین پدران- والدین- کسانی هستند که نسبت به فرزند در محبت افراط کنند و بدترین فرزند کسی است که کوتاهی او نسبت به والدین به عاق شدن منجر شود».

امام صادق (ع) در مورد قلمرو محبت به فرزندان می فرمایند: پدرم فرمود: «به خدا سوگند، من نسبت به یکی از فرزندانم تظاهر می کنم و او را بر زانویم می نشانم و بسیار به او محبت می کنم و بسیار از او تشکر می کنم. هر چند حق با فرزند دیگر من اس، لیکن به خاطر حفاظت کردن وی از او و دیگران، چنین می کنم تا کاری را که برادران یوسف با او کردند، اینان با وی نکنند. خداوند،

^۱ - همان، ص ۳۵، وسائل، ج ۴، ص ۷۴.

^۲ - امینی، ابراهیم، آئین تربیت، ص ۱۱۸-۱۱۹.

^۲ - بانو غروی، تربیت فرزند، ص ۱۱۲، میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۶۹۹.



سوره ی یوسف را فرو نفرستاده است، مگر نمونه ای برای آنکه برخی از ما نسبت به برخی دیگر، حسادت نوزد، همانگونه که برادران یوسف بر او حسادت ورزیدند و ستم نمودند^۱.

۳-۲-۸ تربیت خوب

فرزند در دستان والدین امانت الهی می باشد پس ضرورت ایجاب می کند که از آن امانت به نحو احسن و طبق راهنماییهای مذهب، حراست و نگهداری شود و آن را صحیح و سالم به صاحب اصلی یعنی خداوند تحویل داد. خوب تربیت کردن آنها در پیشگاه خداوند پاداش خوب دارد و بد تربیت کردن آنها پاداش بد^۲.

امام صادق (ع) فرمود: «لقمان به فرزندش فرمود: «فرزند! اگر کودکی را تربیت کردی در بزرگی از آن بهره خواهی برد و کسی که به تربیت کودک توجه کند به او کمک کرده است و کسی که به او کمک کند علم و دانش او را عهده دار شده است و کسی که علم او را به عهده گرفته تلاش و کوشش او را افزون نموده، سود آنرا بوسیله ی آن درک کرده است»^۳.

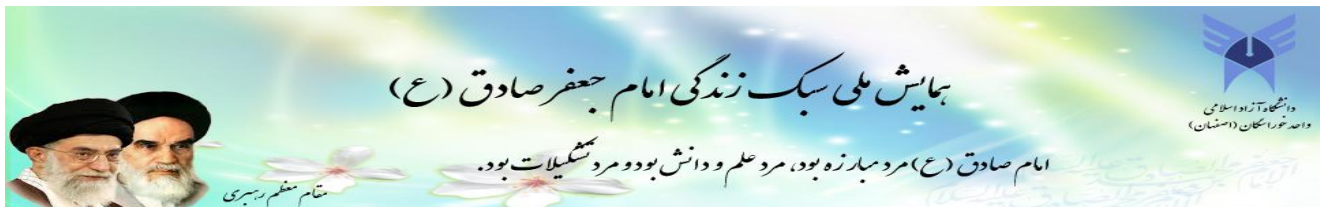
کودک روحیه ی بسیار حساس و ظریفی دارد. اطراف او پر از انسانهای مختلف و با اخلاق متفاوت و گوناگون و رفتارهای ناهمگون می باشد، امکان دریافت همه نوع رفتار و کردار و گفتار اطرافیان را دارد. هدف اسلام از تربیت فرزندان، تربیت خوب و نیک آنهاست. خوبی ها و نیکی ها که خود اسلام بیان داشته است در راستای مذهب و تعالی روحی و معنوی و دینی باید باشد نه چیز دیگر و امتیاز اسلام در میان سایر مکتبها به همین امر تربیت معطوف است و فلسفه ی وجودی اسلام نیز بر طبق فرمایش پیامبر (ص) در همین امر خلاصه می شود که فرمود: «من برای تکامل بخشیدن به اخلاق و خوی خوب بشریت مبعوث گشته ام»^۴.

۱ - محمد، محمدی ری شهری، حکمت نامه کودک، ص ۲۱۹، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۸.

۲ - سید مجتبی، موسوی زنجارودی، تربیت مذهبی کودک، ص ۲۸.

۳ - محمد، محمدی ری شهری، حکمت نامه کودک، ص ۱۳۵، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۱۹.

۴ - سید مجتبی، موسوی، تربیت مذهبی کودک، ص ۴۲.



همچنین از حضرت صادق (ع) در تفسیر این آیه: «ای کسانی که ایمان آورده اید خود و اهل خود (زن و فرزند) را از آتش (قیامت و عذاب آن) بترسانید» وارد شده است که: «کارهای شایسته انجام دهید و اهل خانه خود (زن و فرزندان) را نیز به این امور تذکر دهید و آنها را در جهت اطاعت و بندگی خداوند تادیب و تربیت کنید»^۱.

پس هرگز نباید پنداشت که مسئولیت شما صرفاً اداره زندگی مادی و مراقبت های جسمی کودک است بلکه بالاتر از جسم که مهمتر است تربیت و تأمین نیازهای روح و روان کودک است که اساس شخصیت و حقیقت انسانیت انسان نیز همین روح اوست.^۲

۳-۳ روشهای تربیت

۳-۳-۱ با عمل تربیت کنید و نه با زبان

آنچه در تربیت کودک، اهمیت قراوارن دارد، رفتار والدین در منزل است چرا که کودک در واقع یک مقلد کامل از پدر و مادر است. ذهن کودک در ابتدا پاک و بدور از هر گونه نقش است، او دقیقاً به اعمال پدر و مادر و به رفتار سایر نزدیکان و اطرافیان خود نگاه می کند، آنچه آنان انجام می دهند، فرا گرفته، عملاً خود انجام می دهد، اینجاست که رفتار و حرکات پدر و مادر در کیفیت تربیت فرزند بسیار مهم است و والدین بایستی بدین نکته توجه نمایند که اگر دهها بار فرزند خود را از ارتکاب عملی نهی نمایند اما خود حتی یکبار آنها را انجام دهند کافی است که کودک امر و نهی پدر و مادر را نادیده گرفته آن عمل را انجام دهد چرا که کودک آنچه را نباید بیاموزد در رفتار خود والدین عملاً مشاهده کرده است. تربیت زبانی و نصیحت با زبان هرگز کافی نیست.^۳

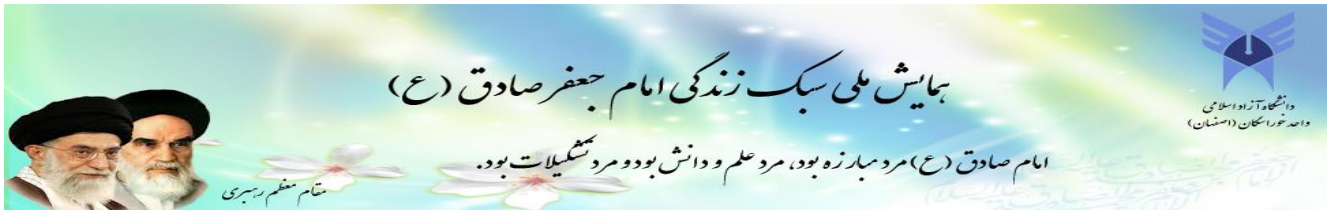
امام صادق (ع) فرمود: «مردم را از راه عمل - و نه از راه گفتار و بیان تنها - سوی حق دعوت کنید»^۴. بسیاری از پدران و مادران تربیت را به پند و اندرز و امر و نهی میدانند و کودک خردسال را

^۱ - محمد، محمدی ری شهری، حکمت نامه کودک، ص ۱۷۹، الکافی، ج ۵، ص ۶۲.

^۲ - بانو غرویان، تربیت فرزند، ص ۱۷.

^۳ - همان، ص ۲۸.

^۴ - محمد، محمدی ری شهری، حکمت نامه کودک، ص ۱۸۱، بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۰۳.



قابل تربیت نمی دانند، می گویند هنوز بچه است و چیزی سرش نمی شود. تربیت را زمانی آغاز می کنند که بچه به سن رشد و تمیز رسیده باشد و به اصطلاح خوب و بد را بفهمد. در صورتی که این عقیده کاملاً اشتباه است. کودک از همان آغاز ولادت مشغول شکل گرفتن و پرورش یافتن و تربیت شدن است.

کودک وجود بی شکل خود را با الگوی پدر و مادر تطبیق می سازد، او به کردار می نگرد و به گفتار و پند و اندرز چندان توجهی ندارد. اگر کردار با گفتار مطابق بود کردار را ترجیح خواهد داد بنابراین بر پدران و مادران مسؤول و آگاه لازم است که ابتدا خودشان را اصلاح نمایند و اگر در اعمال و رفتارشان عیبی هست آنرا برطرف سازند. خودشان را به صورت یک انسان خوب و کامل بسازند و سپس به تولید نسل و پرورش انسانهای دیگر پردازند.^۱

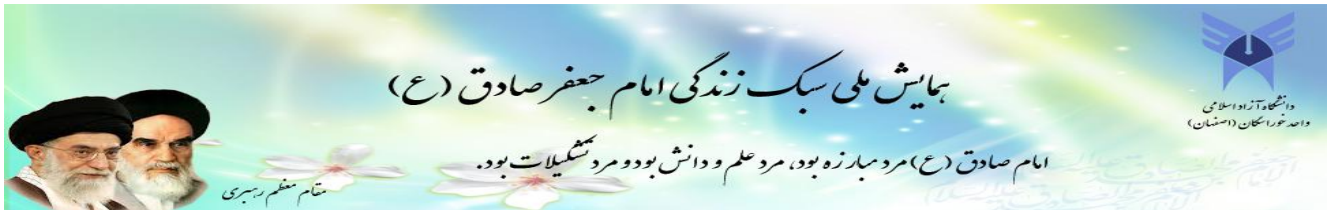
دکتر جلالی می نویسد: «کسانی قادرند کودکان را تربیت صحیح هیجانی و عاطفی بدهند که خود در دوره ی طفولیت و در طول عمر تربیت صحیح اخذ کرده باشند. هر آنکس که تربیت کودک را بر عهده دارد باید گاه به گاه صفات خود را بررسی کند، وظایف خود را در ذهن مرور دهد و کمبودهای خود را برطرف نماید.^۲

۳-۲-۳ تنبیه و تشویق

انسان برای تربیت شدن هم نیاز به تنبیه دارد و هم نیاز به نوازش و تشویق دارد. روح و تمایلات انسان بسیار لطیف و روان و شکل پذیر است. همچون آب که در هر مسیری ممکن است به جریان افتد و به هر جایی نفوذ کند و در هر سراسیبهی به حرکت در آید. اینجاست که باید برای آب بستر ساخت و اگر در مواردی خواست که از بستر و مجرای خود خارج شود و طغیان نماید باید با قوت هر چه تمام تر جلوی آنرا گرفت و آنرا با سنگهای سخت و سدهای مستحکم روبرو ساخت تا تغییر مسیر دهد و از مجرای درست خود منحرف نگردد. لذا کودک را نیز بایستی در مواردی خاص

^۱ - امینی، ابراهیم، آئین تربیت، ص ۲۲-۲۰.

^۲ - مهدی، جلالی، روان شناسی کودک، چاپ یازدهم، ص ۲۹۷-۲۹۶.



بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری

با سختی و خشونت روبرو ساخت تا طعم تلخ تنبیه را بچشد و متوجه شود که بین کارهای مختلف او را از نظر آثار و نتایج تفاوت است: برخی کارهای او آثار نیک به دنبال دارد و تشویق آور است و پاره ای رفتارهای او اثر نامطلوب به دنبال دارد و تنبیه ساز است و خدا خشنودی پدر و مادر و یا سایر اطرافیان را فراهم می سازد.^۱

در برخی از موارد، تنبیه به خاطر یک تخلف شرعی است. از نظر اسلام ما برای کودکان حد نداریم، ولی آنچنان هم نیست که اگر طفل گناه کبیره ای را مرتکب شد از او صرف نظر نمائیم. مسئله تأدیب و تنبیه او بر اساس ضوابطی که در شرع معین شده بجای خود وجود دارد.^۲

حضرت صادق (ع) فرمود: «تأدیب کودک و خدمتکار (در مورد ضرورت) از پنج یا شش ضرب نباید تجاوز کند، خیلی هم محکم نزنید»^۳. خلاصه آنکه تنبیه محرک قوی است. یعنی هم عمل را تشدید می کند و هم جهت رفتار را معلوم می دارد. ولی این محرک مانند تیغ دو لب است که اگر بر حسب نقشه و تفکر بکار نرود مضر است و برای اینکه به طور صحیح از آن استفاده شود باید با توجه کامل و مهارت زیاد به کار رود. موقعیت هایی که آزردهی در خود آنهاست محرک های قوی و طبیعی هستند و نتایجی که از آنها بدست می آید نسبتاً به طور آزاد و بدون ضرر هستند در صورتی که اگر آزردهی از طرف دیگران صورت گیرد نتایج مطلوب ندارد. بر طبق این نظر بهتر است والدین از بکارگیری تنبیه به طور مستقیم پرهیز کنند و بگذارند آثار و عواقب آزاردهنده ی خود خطای کودک، او را تنبیه کند. مثلاً اگر کودک از دست زدن و نزدیک شدن به بخاری پرهیز نکند بگذارید با رعایت احتیاط دستش قدری بسوزد و این تنبیه از تنبیه شما موثرتر است.^۴

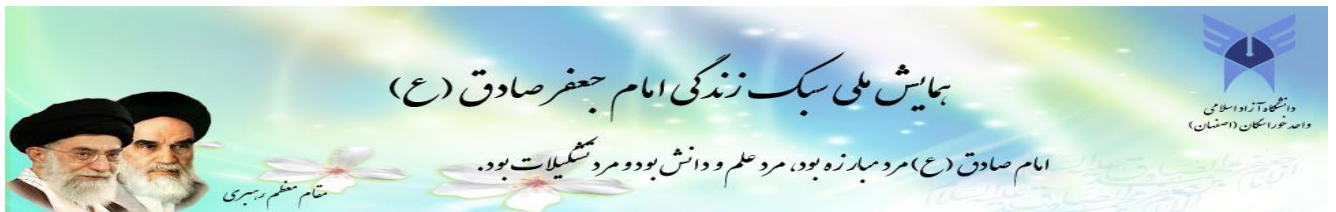
به نقل از یونس بن رباط از امام صادق (ع): پیامبر خدا فرمود: «خدا رحمت کند کسی را که فرزندش را بر فرمانبری از وی یاری کند». پرسیدند: چگونه او را بر فرمانبری یاری می کند؟ فرمود: «آنچه در توانش بوده، بپذیرد و از آنچه در توانش نیست، بگذرد و به آنچه نمی تواند، واندارد و بر او

^۱ - بانوغرویان، تربیت فرزند، ص ۱۵۱-۱۵۰.

^۲ - علی، قائمی، حدود آزادی در تربیت، ص ۳۲۱.

^۳ - ابراهیم، امینی، آئین تربیت، ص ۳۲۰، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۸۱.

^۴ - مهدی، جلالی، روانشناسی کودک، چاپ یازدهم، ص ۴۲۴.



سخت نگیرد که چیزی میان او و ورود در قلمروی از قلمروهای کفر نیست، مگر اینکه نافرمانی [والدین] و یا پرسیدن ارتباط خویشاوندی شود^۱.

بر این اساس والدین باید به هنگام پشیمانی فرزندان از خطاها معذورشان را بپذیرند و بی سبب آنان را تنبیه نکنند و بلکه با تشویق و صبر، آنان را صلاح دعوت نمایند.

۳-۳-۳ کودک و عقاید دینی

توجه به خدا و دین ریشه ی فطری دارد و از نهاد انسان مایه می گیرد. خدا در قرآن می فرماید: «توجهت را به سوی دین مستقیم معطوف دار، دینی که فطرت خدائی است و آفرینش انسان را بر آن پایه گذاری کرده است»^۲.

پدر و مادر وظیفه دارند که محیط مناسبی برای فرزند خویش بوجود آورند تا عقایدی که در فطرت او نهاده شده تدریجاً ظهور و بروز نمایند و تکامل یابد. کودک از همان خردسالی به یک قدرت و نیروی مافوقی که می تواند نیازمندیهایش را برطرف سازد طبعاً توجه دارد، اما درک او به حدی نیست که بتواند توجه خویش را بیان کند. اما تدریجاً به مرحله ی ظهور و بروز می رسد^۳. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «قبل از اینکه مرجئه (و گروه های انحرافی دیگر) بر شما سبقت گیرند، فرزندان خردسال خود را با «حدیث» آشنا سازید و روایات اسلامی را به آنان بیاموزید»^۴.

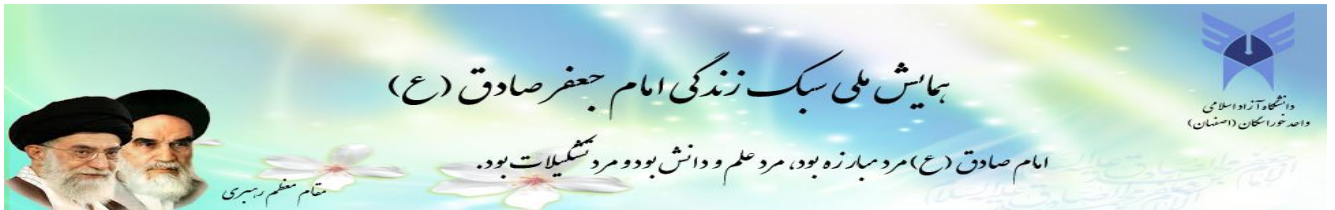
کودکان از سنین چهار سال به بالا، صدها از این قبیل سوالات دارند: خدا کجاست؟ چه شکلی دارد؟ آیا خدا مرا دوست دارد؟ و.... از این سوالات پیداست که فطرت خداپرستی آنها بیدار گشته است. پدر و مادر باید به تمام سوالات کودک پاسخ دهند و الا روح تحقیق و کنجکاوی او خاموش خواهد شد. پاسخ ها باید صحیح، کوتاه و قابل فهم کودک باشد و به نسبت ترقی کودک

^۱ - محمد، محمدی ری شهری، حکمت نامه کودک، ص ۱۹۱، تهذیب الاحکام، ج ۸، ۱۱۳.

^۲ - روم، آیه ۳۰.

^۳ - ابراهیم، امینی، آئین تربیت، ص ۳۱۷.

^۴ - محمد، محمدی ری شهری، حکمت نامه کودک، ص ۱۵۱، میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۲.



پاسخ ها هم باید عمیق تر باشد. باید از گفتن مطالب سنگین و خسته کننده جداً اجتناب کنند که نه تنها سودی ندارد بلکه برای کودک ملال آور خواهد بود. تعلیمات دینی باید خیلی طبیعی و مطابق فهم و استعداد کودکان باشد که البته از بر کردن و خواندن اشعار ساده و کوتاه دینی مخصوصاً سرودها برای کودکان مفید و لذت بخش است.^۱

امام صادق (ع) فرمود: «وقتی بچه سه ساله شده کلمه ی «لا اله الا الله» را یادش بدهید، سپس او را رها کنید تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد، آنگاه «محمد رسول الله» را یادش بدهید. سپس تا سن چهار سالگی او را رها سازید، در سن چهار سالگی صلوات بر محمد را یادش بدهید»^۲.

۳-۳-۴ کودک و تکالیف دینی

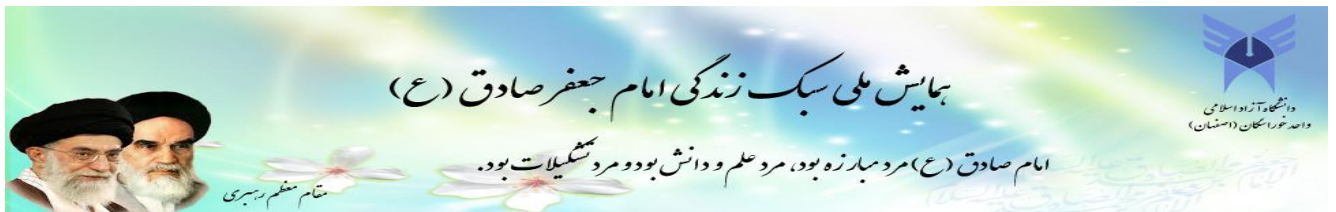
درست است که پسر بعد از پانزده سال و دختر بعد از نه سال به تکلیف می رسند و قبل از آن تکلیفی ندارند، اما انجام تکالیف دینی را نمی توان تا سن بلوغ تأخیر انداخت. باید انسان از کودکی به انجام عبادات و تکالیف دینی عادت کند تا در سن بلوغ به آنها رغبت داشته باشد. امام صادق (ع) فرمود: «وقتی بچه هفت ساله شد به او بگویید دست و صورتش را بشوید و نماز بخواند. ولی هنگامی که نه ساله شد وضوی کامل و صحیح را به او یاد بدهید و دستور اکید بدهید که نماز بخواند و در صورت ضرورت با کتک می توانید او را به نماز خواندن وادار کنید»^۳. بر پدر و مادر لازم است که خودشان یا بوسیله یکی از فرزندان بزرگترشان تدریجاً و به صورت تفریح حمد و سوره را به او یاد بدهند. بقیه اذکار نماز را با همین منوال تدریجاً به او بیاموزند.

وقتی نماز را یاد گرفتند و شش یا هفت ساله شدند. پدر و مادر به آنها دستور می دهند که مرتب نماز را بخوان و اوقات نماز را به تذکر می دهند. اول خودشان مهیای نماز می شوند و به کودکان نیز تذکر می دهند که وقت نماز رسیده است. وقتی نه ساله شدند بطور قاطع و جدی آنها را

^۱ - ابراهیم، امینی، آئین تربیت، ص ۳۱۹.

^۲ - حسن بن فضل، طبرسی، مکارم الاخلاق، مترجم ابراهیم میر باقری، تهران ۱۳۸۲، ج ۱ ص ۲۵۴.

^۳ - ابراهیم، امینی، آئین تربیت، ص ۳۲۲، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۳.



به نماز خواندن وادار کنند و به این کار تشویق کنند و در صورتی که در نماز سستی می کند، اول با پند و اندرز سپس با عقاب و خطاب و در صورت لزوم با تنبیه و کتک به نماز خواندن وادارش کنند.^۱

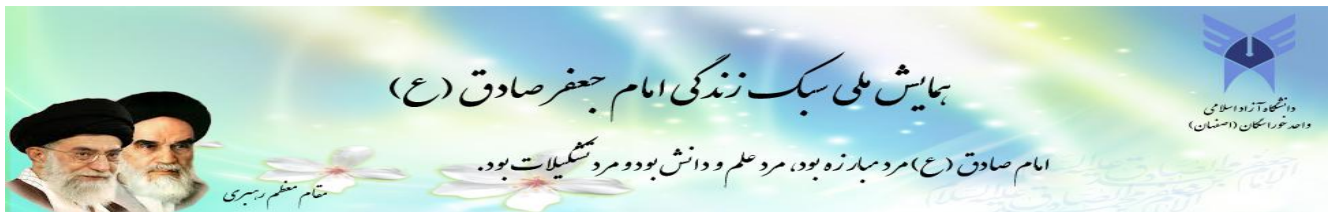
امام صادق علیه السلام در روایتی راجع به تمرین دادن کودکان نابالغ به روزه گیری می فرماید: «ما فرزندانمان را وقتی به سن هفت سالگی می رسند، امر به روزه می کنیم که هر چقدر از روز را می توانند روزه بگیرند، خواه نصف روز باشد، خواه بیشتر و خواه کمتر، البته هنگامی که تشنگی و گرسنگی بر آنان غلبه می کند، افطار می کنند این کار برای این است که آنان به روزه گرفتن عادت نمایند و طاقت پیدا کنند، پس شما هم وقتی کودکانتان به سن ۹ سالگی می رسند آنان را وادار کنید که هر قدر می توانند روزه بگیرند و اگر عطش و تشنگی بر آنان غلبه کرد افطار نمایند».^۲

۳-۳-۵ مسائل جنسی

غرایز جنسی یکی از غرایز نیرومند و حساس انسان می باشد. این غریزه در کودکان نابالغ نیز وجود دارد اما به صورت مبهم و تاریک و منبع لذائذ توجه دارد اما نمی داند از چه راهی می توان آنها را بدست آورد. کودک تقریباً تا سن ده سالگی با همین حال زندگی می کند و غریزه ی جنسی او کاملاً بیدار نشده و به حالت ابهام می باشد. اما از سن دوازده سالگی تا پانزده سالگی با سرعت بیشتری پرورش می یابد و شکل می گیرد و تقریباً بیدار می گردد. خداوند متعال غریزه جنسی کودکان را در سنین قبل از بلوغ به حالت خفتگی و ابهام نهاده است؛ بنابراین پدر و مادر باید از هر عملی که ممکن است غریزه ی جنسی فرزندانشان را تحریک و بیدار سازد جداً اجتناب نمایند و برایشان شرایطی را بوجود آورند که بر طبق ناموس خلقت تدریجاً پرورش یابند و بزرگ شوند. کودکان پنج شش سال به بالا را با هم تنها نگذارید، به کودکان اجازه ندهید که در رختخواب دراز بکشند و بیدار بمانند، رختخواب بچه ها را از هم جدا کنید زیرا ممکن است در اثر تماس تحریک

^۱ - همان، ص ۲۲۲.

^۲ - بانو غرویانی، تربیت فرزند، ص ۱۴۲، میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۲۲.



شوند. کودکان را در رختخواب خودتان نخواستارید مخصوصاً کودک جنس مخالف را، مادر حق ندارد که بدنش را به بدن دختر شش ساله اش بمالد^۱ امام جعفر صادق (ع) از پدرانش نقل کرده که فرمودند: «زنها و بچه های ده ساله باید رختخوابشان جدا باشد^۲». و نیز فرمودند: «مادری که بدنش را به بدن دختر شش ساله اش بمالد خود نوعی از زناست^۳».

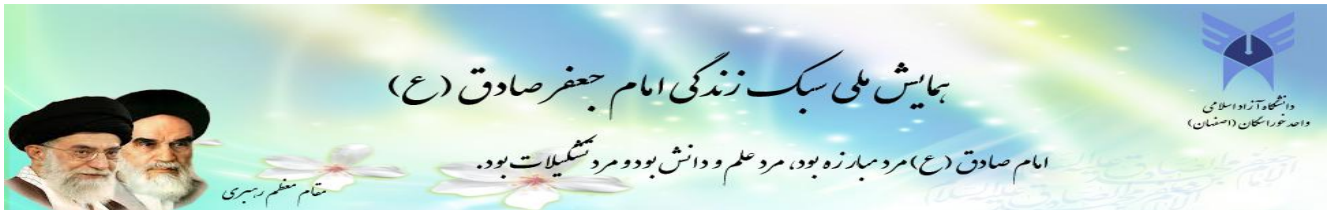
هم چنین می فرمایند: «مرد نباید دختر بچه ی شش ساله را ببوسد، زن هم نباید پسر بچه ی هفت ساله را ببوسد^۴».

زن و شوهری که بچه دارند، نمی توانند مانند سابق آزاد و بی قید و بند باشند. امام صادق علیه السلام فرمود: «مرد نباید با همسرش مقاربت کند در حالی که کودکی در اتاق هست، زیرا این عمل باعث زنا خواهد شد^۵».

بهر حال پدر و مادر اگر به اهمیت موضوع واقف باشند و برای خویش مسئولیتی قائل شوند می توانند مشکل را حل نمایند. این موضوع به قدری اهمیت داشته که خداوند کریم در قرآن می فرماید: «غلامان و بچه های نابالغ در سه وقت حق ندارند بدون اجازه وارد اتاق خواب شما شوند. اول- ساعت قبل از نماز صبح. دوم- بعد از ظهرها هنگامی که لباسشان را در آورده اید. سوم- بعد از نماز عشاء و موقع خفتن. این سه وقت به منزله ی عورت است، کسی حق ندارد بدون اجازه وارد خوابگاه شما شود^۶».

۳-۳-۶ علم آموزی

^۱ - ابراهیم، امینی، آئین تربیت، ص ۳۳۷-۳۳۹.
^۲ - همان، ص ۳۳۹، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۶۸.
^۳ - همان، ص ۳۳۹، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۰.
^۴ - همان، ص ۳۴۰، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۰.
^۵ - محمد، محمدی ری شهری، حکمت نامه ی کودک، ص ۲۰۱، کافی، ج ۵، ص ۴۹۹.
^۶ - نور، آیه ۵۸.



سعادت و نیکبختی انسان در آینده و در هر موقعیتی که باشد بستگی به دانش و علم او دارد. عنایت و توجه اسلام در عصر خود به علم و علم آموزی از اهمیت و عظمت این دین آسمانی خبر می دهد. در هیچ کتابی به اندازه کتاب آسمانی اسلام و کتب روایتی و حدیثی به علم بها و ارزش نداده اند. لذا بهترین زمان فراگیری علم و دانش اندوزی از زمان هفت سالگی کودک در اسلام معرفی شده است. پدران و مادران باید این فرصت را گرانها بدانند و این مجال را از فرزندان دریغ نکنند.^۱

امام صادق (ع) فرمودند: «فرزند در هفت سالگی خواندن و نوشتن را فرا گیرد و هفت سال نیز به فراگیری حلال و حرام بپردازد»^۲. پدران و مادرانی که به تربیت فرزند اهمیت می دهند بدانند که باید فرزند خود را نزد عالمی بفرستند که او نسبت به دین آگاهی کاملی دارد و می تواند فرزندشان را به سر منزل مقصود برساند. امام صادق (ع) فرمودند: فرستادن یک فرزند نزد عالم، بهتر از هفتاد فرزند است که در رکاب امام زمان بجنگد». همچنین می فرمایند: «لقمان به فرزندش فرمود: پسرم! مقداری از ساعت های شبانه روزت را برای مطالعه و تحصیل دانش اختصاص بده زیرا اگر مطالعه را ترک کنی علومت را ضایع خواهی کرد»^۳.

امام صادق (ع) می فرماید: «کودک تا هفت سال بازی می کند، هفت سال درس می خواند و نوشتن می آموزد و هفت سال حلال و حرام و احکام دین را فرا می گیرد. امام علی (ع) می فرماید: هر که در کودکی نیاموزد، در بزرگسالی پیشرفت نکند»^۴. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: بازیگوشی (شیطنت) بچه در دوران کودکی موجب افزایش عقل او در بزرگسالی می باشد»^۵.

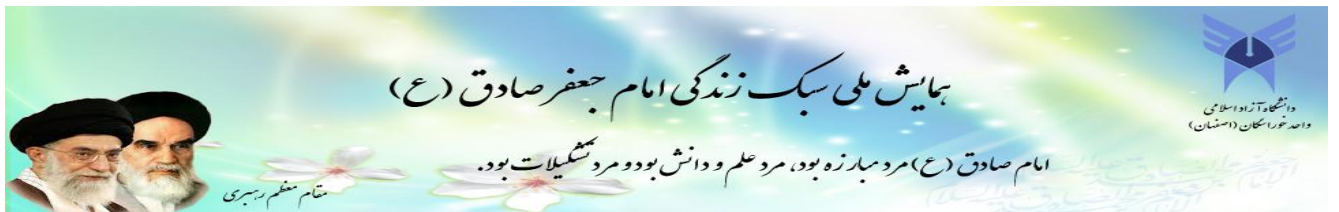
^۱ - سید مجتبی، موسوی زنجارودی، تربیت مذهبی کودک، ص ۷۳-۷۲.

^۲ - احمد، مهدوی دامغانی، عبدالعزیز محمد نسفی، کاشف الحقایق امام جعفر صادق (ع)، ص ۱۲۲، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۱۶.

^۳ - ابراهیم، امینی، آئین تربیت، ص ۳۴۵، بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۶۹.

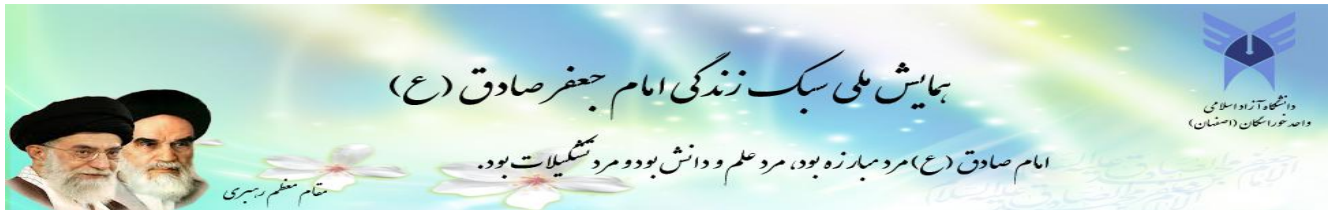
^۴ - محمد، محمدی ری شهری، میزان الحکمه، مترجم: حمیدرضا شیخی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ه.ش، دارالحدیث قم، ص ۳۰۷۳، باب ۱۰۴۹۶.

^۵ - همان، باب ۱۰۴۹۷.



نتیجه گیری

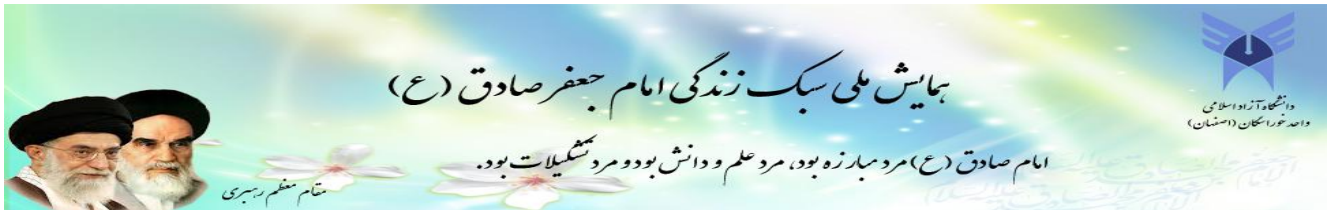
فرزندان این نوگلان نشکفته مانند قاب سفید شیشه ای می مانند که هیچ نقشی در آن نقاشی نشده است و مادران و پدران هستند که این قاب سفید را نقاشی می کنند. پس باید بسیار مواظب باشیم که همواره چه چیزی برای قاب ترسیم می کنیم زیرا هر چه نقاشی شود پاک کردن آن بسیار



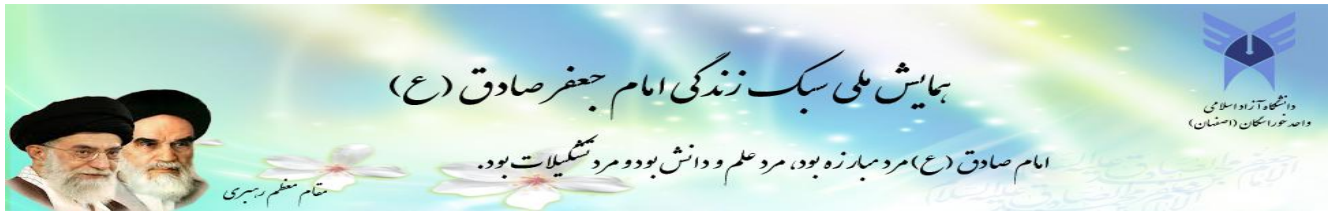
دشوار و شاید غیر ممکن باشد، پس باید سعی کنیم بهترین و زیباترین نقش ها را روی آن حک کنیم؛ بنابراین لازم است والدین با آموزش های صحیح و پرورش استعداد های ذاتی که از ناحیه ی خداوند در نهاد فرزندان به ودیعه نهاده شده، با الهام گرفتن از دستورات دینی آنان را در مسیر تکامل مادی و معنوی قرار دهند. از طرفی باید این را بدانیم که کودکان ما بیشتر از آنچه که به آنها بگوییم از رفتار و اعمال ما الگو برداری می کنند و می توان گفت کودکان خود وجودی ما هستند پس قبل از آنکه به تأدیب و پرورش آنها بپردازیم به پرورش خودمان بپردازیم و پس از آن اقدام به پرورش کودکانمان نمائیم.

فهرست منابع

*قرآن کریم



۱. امینی، ابراهیم (۱۳۸۱)، آئین تربیت (چاپ هفدهم)، تهران، انتشارات اسلامی.
۲. پیام آزادی، حدیث تربیت کودک از سخنان چهارده معصوم (۱۳۶۱ دیماه)، چاپخانه ی طلوع آزادی، پیام آزادی
۳. استاد تهرانی، سیری در تربیت اسلامی.
۴. جلالی، مهدوی، روانشانی کودک (چاپ یازدهم).
۵. رحیمی اصفهانی، غلامحسین (۱۳۸۰)، وظایف والدین و فرزندان در برابر یکدیگر، یاران قم، انتشارات عسکریه (چاپ اول).
۶. غرویان، بانو (۱۳۷۴)، تربیت فرزند (چاپ اول)، موسسه انتشارات نبوی، قم.
۷. فلسفی، محمد تقی (۱۳۸۶)، کودک از نظر وراثت و تربیت «بخش دوم»، تلخیص: محمد رضا جوادی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، (چاپ دوم).
۸. قاسمی، محمد علی (۱۳۹۲)، سرچشمه ی تربیت (چاپ پنجم) نورالزهراء، قم.
۹. قائمی، علی، حدود آزادی در تربیت.
۱۰. مرکز مطالعات اسلامی استراسبورگ (۱۳۶۱)، مترجم: ذبیح الله منصوری (چاپ نهم)، سازمان انتشارات جاوید.
۱۱. مظاهری، ابراهیم (۱۳۷۶)، با فرزندان در سایه قرآن، بازنویس: یوسف غلامی، انتشارات ظفر (چاپ اول).
۱۲. موسوی زنجانرودی (۱۳۸۴)، تربیت مذهبی کودک (چاپ هفتم)، انتشارات میثم تمار.
۱۳. حر عاملی، شیخ محمد (۱۴۰۳ هـ.ق)، وسائل الشیعه، مترجم: علی افراسیابی، مکتبه الاسلامیه، تهران.
۱۴. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۸۲)، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، مترجم: ابراهیم میرباقری، تهران.
۱۵. قمی، صدوق، من لایحضره الفقیه، ترجمه علی اکبر غفاری و محمد جواد صدر بلاغی، صدوق.



۱۶. مجلسی، علامه محمد باقر، بحار الانوار، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۱۷. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۵)، حکمت نامه کودک، همکار و مترجم: عباس پسندیده، قم، دار الحدیث.
۱۸. _ ، میزان الحکم (۱۳۷۷)، مترجم: حمیدرضا شیخی (چاپ اول)، دارالحدیث قم.
۱۹. مشکینی، علی (آذر ماه ۱۳۵۲)، ازدواج در اسلام، مترجم: اسد آباد احمد جنتی.
۲۰. مهدوی دامغانی، احمد نسفی، عبدالعزیز محمد، کاشف الحقایق، امام جعفر صادق علیه السلام.